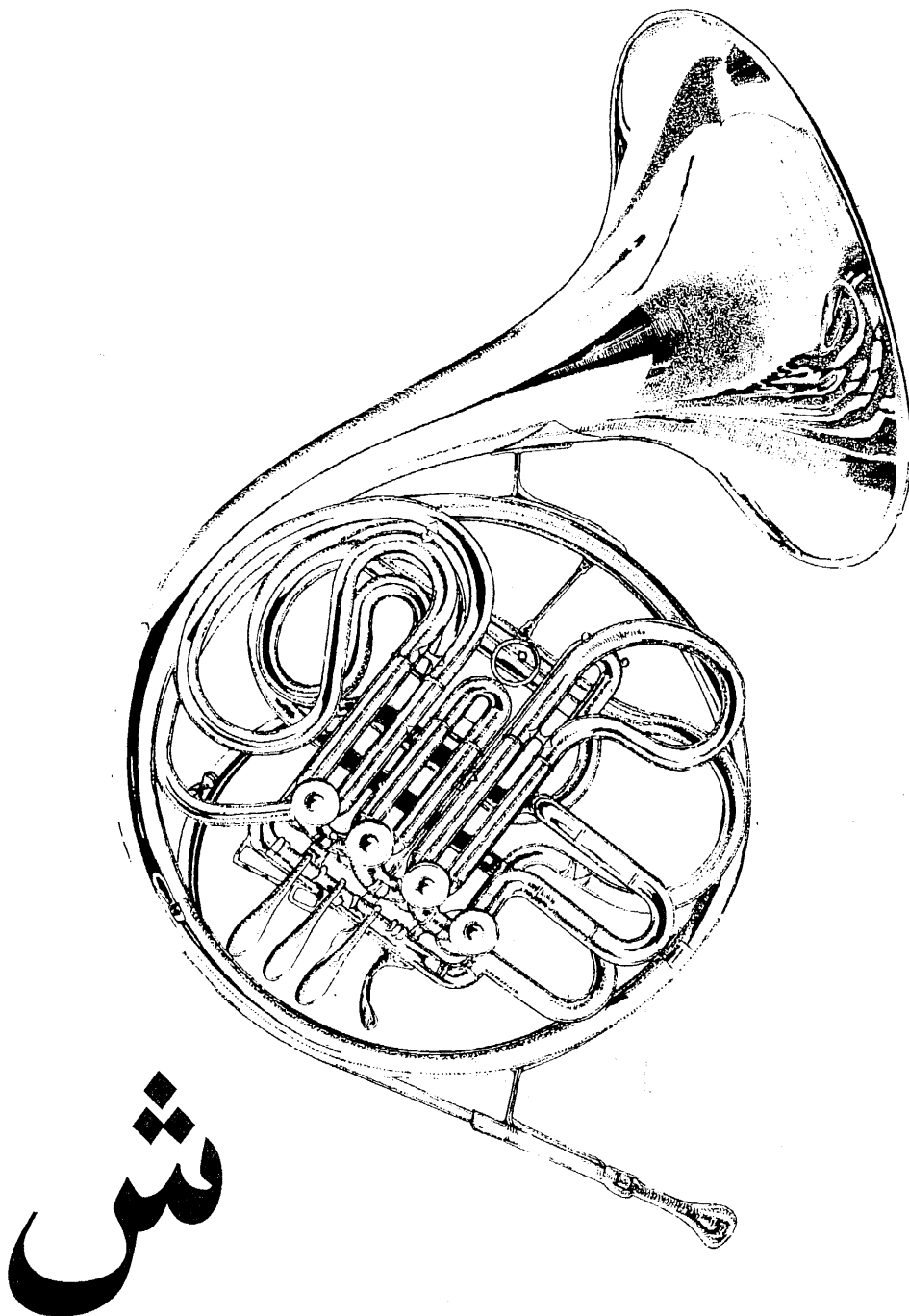




شاباش [Šábās]: زرو هدیه‌ای که نثار رامشگران و خنیاگران کنند.

شاپور تهرانی [Šāpur Tehrāni]: آقا شاپور تهرانی، از شاعران سده یازدهم و از رجال معروف هند در عهد فرمانروایی گورکانیان است. دیوان اشعار این شاعر با ۱۵ هزار بیت به شماره Supp 756 در کتابخانه پاریس و به شماره های Or 3324 و Add 7816 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

شاپوری، عباس [Abbās Šāpuri]: عباس شاپوری در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در خیابان صفی علی شاه تهران بدنیا آمد. پدرش غلامرضا شاپوری، نوازنده سه تار و از شاگردان درویش خان بود. عباس شاپوری در نوجوانی به ویلن گرایش پیدا کرد و پدرش او را نزد حسین خان هنگ آفرین فرستاد. بعدها از دیگر استاد های این هنرمند ارزشمند میتوان به استاد اسماعیل زرین فر، استاد علی مستوفی و استاد حسین یاحقی اشاره داشت. تمرین موسیقی، عباس شاپوری را از درس و مشق غافل ساخته از اینرو، پدرش ساز او را مخفی می کند ولی چون علاقه پسرش را در موسیقی می بیند، او را نزد استاد ابوالحسن صبا میفرستد. در کلاس استاد صبا، همدوره ای های عباس شاپوری عبارت بودند از: حبیب اله بدیعی، عزت اله روح پرور، محمود ذوالفنون، دکتر جهانشاهی، محمد بهارلو، محمود تاج بخش، رحمت اله بدیعی و علی تجویدی.

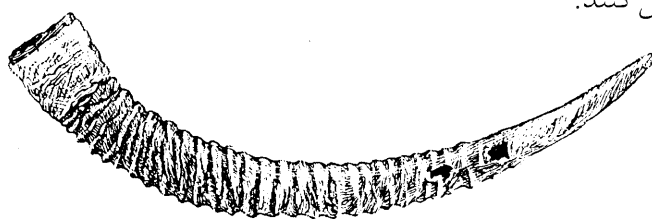
اولین آهنگی را که عباس شاپوری ساخت: ندای امید، نام داشت دومین آهنگ او - آه دل، نام داشت که شعرش از زنده یاد مهدی سهیلی بود، و توسط استاد حسین قوامی (فاخته) خوانده شد. عباس شاپوری در سال ۱۳۲۱ خورشیدی، همکاریش را با رادیو ایران آغاز کرد و آهنگ هائی برای خانم روح بخش، حسین قوامی، ناصر مسعودی و قاسم جبلی ساخت. زنده یاد پوران خواننده مشهور از سال ۱۳۳۰ خورشیدی به مدت هفت سال تحت تعلیم عباس شاپوری قرار گرفت و این همکاری منجر به ازدواج آندو شد. عباس شاپوری برای همسرش پوران بیش از یکصد آهنگ ساخت. عباس شاپوری علاوه بر آهنگسازی و نوازندگی، از سازندگان مشهور تار، سنتور و ویلن میباشد.

شاپوری، غلامرضا [Golāmrezā Šāpuri]: نوازنده چیره دست سه تار و پدر هنرمند گرانقدر عباس شاپوری است. غلامرضا شاپوری از شاگردان درویش خان است.

شاخ [Šāx]: از سازهای بادی که بیشتر چوپانان و هم چنین جنگجویان در صحنه پیکار از آن استفاده



می کنند.



شاخ نفیر [Šaxe Nafir]: نخستین و ابتدائی ترین ساز بادی بشر، بوق یا شاخ نفیر است، که از شاخ حیوانات تهیه می‌شده است.

شاخ و شانه [Šax-o-Šaneh]: سازی است از خانواده آلت موسیقی ضربی. در لغت نامه دهخدا چنین آمده: گدایان، شاخ گوسفند بردستی و شانه گوسفند بردست دیگر گیرند و بر خانه ها و مردمان ایستند و شاخ را بر شانه بکشند و صدای غرغری ظاهر گردد تا مردمان به آنها کمک کنند.

شادباد [Šadbād]: از الحان موسیقی عهد ساسانیان.

شادخوار [Šād Xār]: شادمان و خوشحال. به زنان مطرب اطلاق می‌شده است.

شادروان مروارید [Šadorvan Morvārid]: یکی از نامهای سی لحن بارید می‌باشد. بنظر میرسد این آهنگ برای قالی نگارستان ساخته شده است که بر تخت طاقدیس آویخته بوده است. شادروان در لغت به معنی پرده می‌باشد.

شاد زاد، حسن [Hasan Šādzād]: معلم موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران.

شاد زود [Šād Zud]: نام نوائی از موسیقی دوره ساسانیان.

شادگونه [Šādgune]: به زنان مطرب اطلاق می‌شده است.

شادورد [Šādvard]: پرده‌ای در موسیقی قدیم ایران و نام یکی از گنج های هشتگانه خسرو پرویز و هم چنین هاله ایست که گاه دور ماه ایجاد میشود.

شادنوش، ماه منیر [Máh-monir Šádnus]: از معلمین تعلیم موسیقی در تهران (سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی). ماه منیر شادنوش در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶، در گروه ویلن دوم با ارکستر سمفونیک تهران به رهبری پروفسور هایموتویبر به نوازندگی می پرداختند.

شارشک [Šarask]: سازی است شبیه تنبور با دسته‌ای کوتاه که پوستی بر آن کشیده‌اند. شارشک چهار سیم دارد.

شاشک [Šásak]: یا شوشک یا شاشنگ یا شارشک: سازی است شبیه رباب که چهار سیم دارد.

شاطر تقی نقاره‌چی [Šáter TaqíNaqáreci]: از تعزیه خوانهای قدیم تهران

شاطر حاجی، حبیب [Habib Šáter-háji]: میرزا حبیب شاطر حاجی از خوانندگان قدیم در اصفهان می‌باشد، که صدایش به بم گرایش بیشتری داشت. حبیب اکثراً در خانه حاج امین التجار آواز می خواند. در یکی از جلسات صدایش گرفت و سپس رو به افول نهاد. او از شدت ناراحتی اصفهان را ترک کرد و به شیراز رفت و در آنجا به شغل پیراهن دوزی پرداخت. از شاگردان حبیب شاطر حاجی میتوان به ادیب خوانساری و شهشهانی اشاره داشت.

شاطر رمضان [Šáter Ramazán]: از خوانندگان مشهور اصفهان، رمضان ابوطالبی است که به او شاطر رمضان میگویند. شاطر رمضان در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد بعدها، شغل نانوائی را برای خود برگزید.

او از ۶ سالگی به سوی موسیقی کشیده شد. او بیشتر با استاد جلیل شهناز، استاد احمد عبادی، استاد حسن کسائی و استاد محمدرضا شجریان مانوس و همکاری داشته است.

شاطر عباس طبال [Šáter Abbás Tabál]: از تعزیه خوانهای قدیم تهران.

شافعی، کمال الدین [Kamāledin Šáfewi]: (۶۸۵ - ۷۴۸ هجری) صاحب رساله الطالع السعید الجامع که در آن از موسیقی و آلات و سازهای یاد شده است. این کتاب در سال ۱۳۳۲ در اسکندریه و ۱۳۳۸ در قاهره چاپ شده است.

شاکر بخاری [Šaker Boxari]: شاکر بخاری از شاعران قدیم ایران است که در اوایل سده چهارم هجری در ماوراءالنهر زندگی می کرده است.

شاملو، احمد [Ahmad Šamlu]: احمد شاملو در ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ خورشیدی در خیابان صفی علی شاه تهران بدنیا آمد. پدر او افسر ارتش بود و بنا به مقتضیات شغلی به شهرستانهای مختلف می رفت. احمد دوره کودکی و نوجوانی را در خاش، زاهدان، مشهد و بیرجند گذرانید و دوره دبیرستان را در تهران به پایان رسانید.

احمد شاملو در نوجوانی به مسائل سیاسی روی آورد و در ۱۷ سالگی روانه زندان شد. در سال ۱۳۲۴ به روزنامه نگاری پرداخت و بار دیگر به زندان افتاد. پس از آزادی به رضاییه میروود ولی پس از چندی به تهران برمیگردد. اولین ازدواج احمد شاملو در سال ۱۳۲۶ اتفاق می افتد. ۱۷ سال بعد از اولین ازدواجش با زن دوم خود آیدا آشنا میشود و با او ازدواج می کند و در همان حال مجموعه شعر: آیدا در آینه، لحظه ها و همیشه را انتشار میدهد. او هفته نامه ادبی پارو را سردبیری می کند که پس از سه ماه که از انتشار آن گذشت توقیف میگردد. در سال ۱۳۵۱ به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه صنعتی میپردازد و علاوه بر تدریس، فیلم نامه «حلوا برای زنده ها» را می نویسد.

از آثار احمد شاملو میتوان به قصه های کتاب کوچه - کتاب گزینه اشعار - ترانه های کوچک غربت، جهان همچون کوچه بی انتها، دشنه درویش، ققنوس در باران، شعر شکفتن درهم، ملکه سایه ها، هوای تازه، باغ آینه، قصه هفت کلاغون، خروس زری پیرهن پری و دهها ترجمه از او اشاره داشت. احمد شاملو در ۲۴ جولای ۲۰۰۰ در سن ۷۵ سالگی چشم از جهان فرو بست.

شاملو، مرتضی قلی بیگ مجرم [Morteza-qoli beyq Mojrem Šamlu]: مرتضی قلی شاملو، فرزند سلطان حسن، از موسیقیدانها و خوش نویسان سده یازده هجری است. او در سال ۱۰۲۰ هجری به هندوستان رفت و در آنجا درگذشت.

شامی، عبدالله [Abdollah Šami]: نوازنده و استاد تعلیم ویلن در سمنندج در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی.

شاندیز [Šandiz]: لطفاً به فائزه رجوع کنید.

شانه [Šáne]: سازی است کوبه ای که با وارد آوردن دست یا قطعه ای چوب به صدا در می آید. این ساز از آلات موسیقی ایران باستان است. این ساز امروزه در ارکستر جاز بکار میرود.

شانه جنبانه [Šáne Jonbâne]: از موسیقی گردی و اهل حق که با سرنا نواخته میشود، اما با سبکی که تمام امکانات یک قطعه ضربی با چهار ضربی تند را بکار میگیرد و بخوبی با روحیه تنبور سازگار است.

شانی تکلو [Šáni Taklu]: وجیه الدین نسف آقای تکلو، متخلص به شانی. در نیمه دوم سده دهم در تهران به دنیا آمد و بیشتر در اصفهان و همدان بسر برد. او از شاعران دربار شاه عباس صفوی است. دیوان این شاعر به شماره Add 7799 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

شاوَرک [Šavarak]: نام آوازی است قدیمی که آنرا نیشابورک هم گفته اند.

شاوغر [Šavqar]: به نای رومی اطلاق میشده است.

شاه ابراهیمی، سید امراله [Seyyed Amr-ollāh Šāh Ebrāhim]: سید امراله شاه ابراهیمی فرزند لطفاله در سال ۱۳۰۲ در شهرستان صحنه بدنیا آمد. او نواختن تنبور را ابتدا نزد پدر آغاز کرد و سپس نزد درویش سعدی، سید هادی و سید آقاعزیز ذوالنوری به تکمیل اندوخته های خود پرداخت. در سال ۱۳۵۳ گروه تنبور نوازان را تشکیل داد و در سال ۱۳۵۴ نخستین برنامه گروه نوازی تنبور را در تالار رودکی اجرا نمود. از شاگردان او می توان اردشیر نعیمی و خلیل عالی نژاد را نام برد. سید امراله علاوه بر نواختن تنبور با سازهای تار و سه تار نیز آشنائی دارد. او تار و سه تار را نزد سید احمد اعتضادی یکی از شاگردان غلامحسین درویش فرا گرفته است. سید امراله بازنشسته اداره آموزش و پرورش است.

شاه اسماعیل [Šāh Esmāwil]: از منظومه های غنائی موسیقی عاشیقلار که در آن، قهرمان به وصال معشوق میرسد و پس از دشواریها به زادگاهش باز میگردد.

شاه بورجا [Šāh Burjā]: حکیم شهاب الدین شاه علی ابورجا غزنوی از شاعران مشهور غزنین در اواسط سده ششم بوده است. او معاصر عین الدوله بهرامشاه غزنوی بوده است. وفات او در سال ۵۹۸ اتفاق افتاده است.

او دارای دیوان شعری بوده که تنها ابیات معدودی از آن باقی مانده است.

Ā,a Ā,a آد (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkesh) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyām)
 Z,z زلزال (Zāl) C,c U,u حوب (Cub) V,v O,o وجدان (Voḡdān) I,i ایران (Irān) ایات های (افسای) نوین برای درست خواندن

شاه خوشینی (روایت گوران)، دستگاه موسیقی [Dastgāhe Musiqiye Šāh-xošini]:

این دستگاه که برخی از اهل حق های گوران آنرا می نوازند با دستگاه شاه خوشینی تفاوت دارد. این دستگاه که دیگران آنرا بابا جلیلی می خوانند به دستگاه چهارگاه ایرانی شبیه است. این دستگاه خاصه در موسیقی محلی ایران کمیاب است فقط شکلی از آن در بلوچستان نواخته میشود و یافتن آن در ردیف موسیقی اهل حق جای شگفتی دارد.

شاهد [Šāhed]: صدای محوری مقام است و دانگ ها، حول آن بنا میشوند. طنین و تکرار مداوم آن در ملودی سبب ایجاد یک صدای زمینه میشود که «واخوان» نام دارد.

سازها در جهت تقویت این صدا کوک میشوند. حتی مقام، وجه تسمیه خود را از این صدا می یابد، زیرا غرض از آن، ساختاری است که از تاکید و ایستادن بر یک صدای محور بوجود می آید.

شاهرخ، آقا بزرگ خان [Aqā-bozorg-xān Šāhrox]:

۱۲۴۹ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. پس از تحصیلات اولیه به دارالفنون رفت و در موسیقی سرآمد شد. استادهایی چون: علی نقی وزیری، غلام علی خان گردافکن، حسین هنگ آفرین و مشیر همایون شهردار درسهای اولیه موسیقی را از او گرفته اند. او با مسیو لومر فرانسوی همکاری می کرد و تا درجه سرتیپی پیش رفت و رئیس موزیک قزاقخانه شد. سرتیپ شاهرخ در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در تهران چشم از جهان فرو بست.

شاهرخ [Šāhrox]: شاعر و خواننده جوانی که در آمریکا زندگی می کند. از این هنرمند، آلبوم: بدرقه، کار مشترک او با آهنگسازی بنام ممدو در دسترس میباشد.

شاهرخ [Šāhrox]: شاهرخ شاهی، خواننده خوش صدا و قدیمی که سالیان درازی است می خواند و هم چنان در اوج باقی مانده است. شاهرخ در آوازه خوانی، سبک خاص خود را دارد. از کارهای شاهرخ در سالهای اخیر میتوان به آلبومهای: یا دواره عارف قزوینی، عتیقه، حکایت چهارم، ماه شب چهارده، عروسک شکستنی، لعبت و جدیدترین آلبوم او بنام: خونه با ۹ ترانه اشاره داشت. شاهرخ شاهی در لس آنجلس زندگی می کند.

شاهرخ، رمضان [Ramazān Šāhrox]:

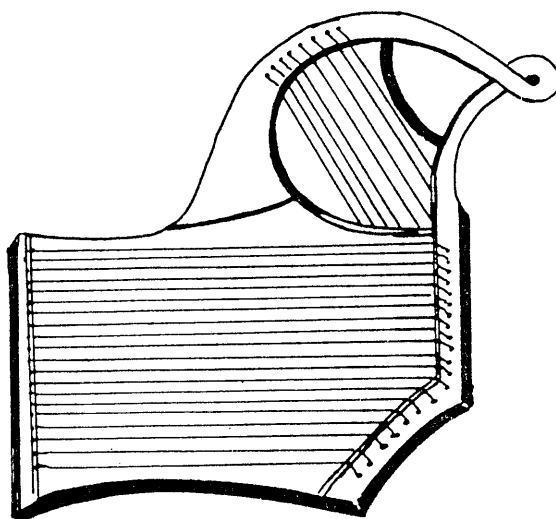
از سازندگان صاحب نام، تار، سه تار، سنتور و کمانچه در

اواخر دوران قاجاریه است. فرزند او، استاد حاجی آقا نیز، پیشه پدر را دنبال کرد و او یک تار هشت سیمه ابداع نمود.

شاهرخ، عزیز [Aziz Šährox]: خواننده مشهور گُرد که همکاری نزدیکی با آهنگساز معروف گُردستان سعید فرج پوری دارد. از کارهای زیبای این دو میتوان به آلبوم: آوات اشاره داشت. عزیز شاهرخ، در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در شهرستان مهاباد بدنیا آمد. او پس از دریافت مدرک تربیت معلم در رضائیه به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد. او پس از ۲ سال به شغل آزاد روی آورد. عزیز شاهرخ، تحت تأثیر صدای برادرش و هم چنین، سید علی اصغر گُردستانی، کار خوانندگی را شروع نمود. در سال ۱۳۴۸، اولین ضبط تلویزیونی خود را در رضائیه انجام داد و در سال ۱۳۵۰، وقتی رادیو تلویزیون مهاباد افتتاح شد، برنامه هایش را در آنجا ضبط و پخش نمود.

شاهرخی، محمود [Mahmud Šähroxi]: ترانه سرای ساکن تهران که از او سروده؛ نوای عاشقانه با صدای حسن همایونفال و آهنگ، هادی منتظری در دسترس میباشد.

شاه رود [Šāhrud]: از آلات موسیقی که فارابی آنرا به ابو حفص سغدی نسبت میدهد. این ساز از ۳۶ تا ۷۲ سیم داشته است. شاه رود بعدها به اروپا راه یافت و بنام بریط بزرگ نامیده شد. نام دیگر شاه رود، شهرود است.



شاهرودی، اسماعیل [Esmāwil Šāhrudi]: از ترانه سرایان معاصر که سروده او: شب و روز با آهنگی از ثمین باغچه بان در دسترس میباشد.

شاهرودی، پروانه [Parvāne Šáhrudi]: زنده یاد پروانه شاهرودی از اعضای فعال ارکستر سنفونیک تهران و همدوره با زنده یاد علی محمد خادم میثاق و زنده یاد محمد بیگلری، در سال ۱۳۳۶ خورشیدی.

شاه زیدی، حسین [Hoseyn Šáhzeydi]: از ترانه سرایان مشهور دوره دوم و همدوره با سرهنگ اعلامی، ناصر رستگارنژاد و رضا ثابتی. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به ترانه سرایان دوره دوم نگاه کنید.

شاه زیدی، سرگرد [Sargord Šáhzeydi]: از مسئولین برنامه های ارتش در رادیو ایران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی و از همکاران نزدیک سرهنگ شب پره.

شاه زیدی، علی اصغر [Ali-asqar Šáhzeydi]: علی اصغر شاه زیدی در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. او از سیزده سالگی، رسماً شروع به فراگیری موسیقی نمود. او دارای صدای بسیار خوبی است و در مدت ۸ سال، ردیف ها و گوشه های موسیقی ایران را فراگرفت و پس از آن در سال ۱۳۴۹ نزد زنده یاد استاد جلال تاج اصفهانی رفت و ۱۲ سال از محضر آن هنرمند گرانقدر بهره گرفت. علی اصغر شاه زیدی از سال ۵۸ تا ۶۶ بمدت ۶ سال در هنرستان موسیقی اصفهان مشغول تدریس ردیف و گوشه های موسیقی ایران گردید. این هنرمند، علاوه بر خواندن در نواختن سازنی نیز مهارت بسیار دارد.

شاه شجاع [Šáh-Sojáw]: جلال الدین شاه شجاع، پادشاه معروف آل مظفر است که از سال ۷۶۰ تا ۷۸۶ هجری، حکومت میکرد. از وی ابیاتی در کتب تاریخی و تذکره وجود دارد.

شاه طاهر دکنی [Šáhtáher Dakani]: شاه طاهر انجدانی دکنی، از پیشروان مشهور مذهب اسماعیلی در سده دهم و در همان حال، دانشمند و شاعر نامبرداری بود. او در قصیده و غزل شیوه استادان قدیم را دنبال می نمود. دیوان او موسوم به «انشاء روح افزا» به شماره 2114 Supp در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود. وفات این شاعر و عالم در سال ۹۵۳ هجری اتفاق افتاده و بدست قاسم بیگ نامی کشته شده است.

شاهک رازی [Šáhak Rázi]: مادر اسحاق موصلی است که از موسیقیدانهای مشهور عصر خود

بحساب می آمد.

شاه کرمی، محمد تقی [Mohammad Taqi Šáh-Karami]: نوازنده چیره دست تار و از شاگردان ممتاز، علی اکبر خان شهنازی است.

شاه مرادی، رضا [Rezā Šáhmorádi]: از خوانندگان قدیمی و همدوره با منوچهر شفیعی، ستار روشن، احمد کوکبی، محسن انصاف گر و رضا مهدیه.

شاه میری، کورش [Kuroš Šáh-miri]: آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ که در کالیفرنیا فعالیت دارد.

شاه نامه [Šáhnáme]: از بحور اصول قدیم موسیقی با ۱۸ ضرب (ده ضرب بم و هشت ضرب زیر) منسوب به غلام ملک شاه سلجوقی. شاه نامه، اثر جاودان ابوالقاسم فردوسی، شاعر حماسه سرای ایران است که خواندن آنرا، شاهنامه خوانی گویند.

شاهنامه خوانی [Šáhnáme-xāni]: شاهنامه خوانی عبارت از خواندن شعر شاهنامه فردوسی با آواز مخصوص است. شاهنامه خوانی در دو مجلس مختلف اجرا میشود. یکی در مجلس اشراف و بزرگان و دیگری در قهوه خانه ها. شاهنامه خوانی در مجلس اعیان بصورت نشسته و در قهوه خانه بشکل ایستاده اجرا میشده است. شاهنامه خوانی بصورت انفرادی و بدون ساز میباشد.

شاه نای [Šáh-náy]: سازی است بادی از رده سورنای که اهل موسیقی به آن شهنای میگویند.

شاهنشاهی [Šáhansáhi]: گوشه ای از شعبه نوروز عرب، از مقام رهاوی در موسیقی مقامی گذشته.

شاه نظریان، ریموند [Reymond Šáhnazaryán]: ترانه سرا و آهنگساز ساکن لس آنجلس که همکاری نزدیکی با خوانندگان مقیم جنوب کالیفرنیا دارد.

شاهنگیان، حمید [Hamid Šáhangyán]: آهنگساز فعال در تهران که آهنگ ترانه «پدر و مادر» با

صدای بهمن اسدی و تنظیم فریدون شهبازیان از او بوده، و در دسترس میباشد.

شاه وردی، [Šáhverdi]: زنده یاد شاه وردی، نوازنده چیره دست قره‌نی و همدوره با استاد حسین تهرانی، فرهنگ شریف و عباس تهرانی.

شاه وردیخان [Šáhverdixán]: از خوانندگان مشهور زن در دوران سلطنت فتح علیشاه و محمد شاه. این خواننده دختر آقا محمد رضا موسیقیدان معروف آن زمانست. شاه وردیخان در فن موسیقی به استادی رسیده بود.

شاه ولی [Šáhvali]: پدر علی اکبر فراهانی نوازنده چیره دست تار در دربار ناصرالدین شاه. شاه ولی دستگاه راست و دستگاه نوا را با چیره دستی خاصی می نواخته است.

شاهی [Šáhi]: نام لحن و آوازی از نغمه های موسیقی ایران باستان.

شاهی، حاجی قربان [Háji Gorbán Šáhi]: از خوانندگان مشهور عهد قاجاریه که در قزوین بدنیا آمد، در جوانی به تهران آمد و به دربار راه یافت. او از شبیه خوانهای تکیه دولت بود. شاهی در سال ۱۳۴۳ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

شاه یدی [Šáh-yadi]: شاه یدی، نام مستعار یداله میرزا، نوازنده مشهور نی در دوران قاجار است. او افسر ارتش بود و نواختن قره‌نی را نیز میدانست.

شاهی، علی اکبر [Ali-akbar Šáhi]: استاد برجسته سنتور و معلم استاد ابوالحسن صبا. علی اکبر شاهی در سال ۱۲۷۴ هجری قمری بدنیا آمد. پدر او حسین علی خان امیرخان، سنتور را از سنتور نواز هندی دربار محمد شاه فراگرفت و جزو نوازندگان دربار ناصرالدین شاه گردید. او سنتور را به پسرش علی اکبر آموخت. پس از فوت حسین علی خان، علی اکبر از محضر محمد صادق خان استفاده کرد. و شب ها در مجاورت خوابگاه ناصرالدین شاه نوازندگی میکرد و به علی اکبر شاهی معروف شد.

شاهی، قلی خان [Goli-xán]: قلی خان شاهی، معروف به شاه پسند، از خوانندگان و نوازندگان نی در اواخر عصر ناصرالدین شاه و از شبیه خوانهای تکیه دولت بود. او خواننده مورد نظر مظفرالدین شاه

بود که همراه او به اروپا رفت. او در خواندن تصنیف و آهنگهای ضربی مهارت داشت.

شاهین [Šāhin]: نوعی نی لبک بوده که سه سوراخ داشته که با انگشت های یک دست نواخته میشده و نوازنده با دست دیگر طبل میزد است. بهمین دلیل غزالی از اصطلاح شاهین طبال استفاده کرده است.

شاهین، استودیو [Ostudiyo Šāhin]: مرکز تولید، تکثیر و پخش نوار کاست و CD موسیقی ایرانی در آلمان.

شاهین، تاتر [Teâtre Šāhin]: واقع در چهارراه مولوی که مؤسس آن زنده یاد عبدی بود. این تاتر که مکانی برای عرضه هنر نمایش و موسیقی بود، بعدها به شخصی بنام؛ کوچک معدل فروخته شد.

شاهین فر، جلال [Jalāle Šāhin-far]: از آهنگسازان فعال بعد از انقلاب که در تهران به کار آهنگسازی اشتغال دارد.

شاهین مقدم، کیومرث [Kyumars Šāhin -moqadam]: از صدابرداران و صداگذاران با تجربه رادیو و تلویزیون ایران.

شایان [Šāyān]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس با آلبوم های: دیدار و گل ناز. شایان صدایش به موسیقی بزمی ایرانی می خورد.

او فعالیت هنری اش را از ایران آغاز نمود و اولین آهنگی که در ایران اجرا کرد، ترانه ای بود بنام: «گولم زن». او خواندن را در شهر اصفهان شروع کرد. پس از انقلاب، شایان به پاریس رفته و ۱۸ سال در آنجا به فعالیت های هنری پرداخت.

سال پیش (۲۰۰۰ میلادی) شایان به لوس آنجلس آمد و اولین آلبوم او دیدار بود.

شایسته، سعید [Sawid Šāyeste]: خواننده جوان ساکن سوئد که در کاباره «شب سرا» فعالیت می کند.

شایگان، تقی [Taqi Šāygān]: زنده یاد تقی شایگان نوازنده چیره دست ویلن که این ساز را به سبک کمانچه می نواخت، در همدان بدنیا آمد. او پیش از ۱۳۲۰ خورشیدی به تهران آمد و همکاری نزدیکی را

با زنده یاد ابراهیم سرخوش و زنده یاد روح انگیز شروع کرد.
تقی شایگان در سال ۱۳۲۲ خورشیدی بر اثر ابتلاء به حصبه چشم از جهان فرو بست.

شایگان، حسن [Hasan Šaygān]: پژوهشگر، نویسنده و موسیقی شناس که مقالات او در زمینه موسیقی در سالهای پیش از انقلاب منتشر میشد.

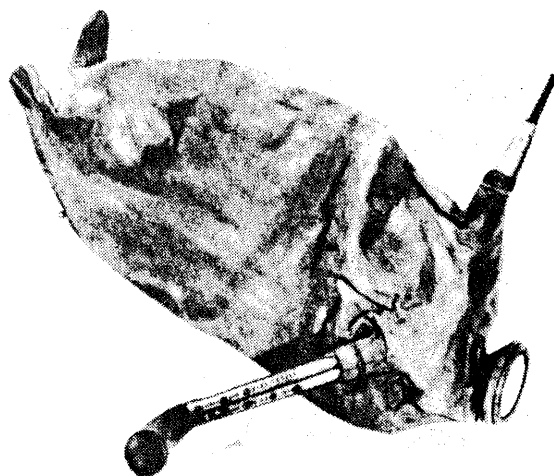
شباب [Šabāb]: از لحن های موسیقی قدیم ایران.

شبابیان، سرژ [Seroz Šabābyān]: از نوازندگان مشهور ارکستر سنفونیک تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی.

شبابه [Šabābe]: سازی است بادی که از نی تو خالی آنرا میسازند.

شبالو [Šabālu]: یکی از اقسام موسیقی بوشهر. آوازی است همراه با دایره که توسط خوانندگانی که دایره وار نشسته اند اجرا میشود. آنها بهنگام خواندن، شانه های خود را به راست و چپ حرکت میدهند.

شباننی [Šabāni]: سازی است بادی از رده نی انبان.



شباهنگ [Šabāhang]: نوازنده و استاد تعلیم ویلن در اهواز در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی.

شباهنگ گروه موسیقی [Gruhe Musiqi Šabāhang]: متشکل از شباهنگ؛ خواننده، نوازنده گیتار و کی‌بورد که وظایف ترانه سرائی، آهنگسازی و تنظیم آهنگ به عهده اوست. محسن، خواننده و نوازنده پرکاشن و مجتبی: خواننده هارمونی و نوازنده طبل‌های آکوستیک و الکترونیک. این گروه در آتلانتا به فعالیت مشغول است. شباهنگ سرپرست گروه دارای تحصیلات موسیقی بشرح زیر است: لیسانس در تئوری آهنگسازی از دانشگاه جنوبی آلاباما در سال ۱۹۷۹. فوق لیسانس موسیقی از دانشگاه هیوستون در سال ۱۹۸۳.

شب پره، سرهنگ [Sarhang Šabpare]: سرهنگ شب پره، رئیس برنامه های ارتش رادیو ایران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی و پدر هنرمندان مشهور؛ شهبال و شهرام شب پره که هر دو در لس آنجلس فعالیت دارند میباشد.

شب پره، شهرام [Šahrām Šabpare]: آهنگساز، تنظیم کننده و خواننده پُرتوان ایران که بالغ بر ۳۵ سال است که می خواند. او از القابی چون: تب تند و تپش بی پایان موزیک ایران برخوردار است. شهرام شب پره تاکنون بیش از ۸۰ آهنگ ساخته و آنها را اجرا نموده است. او از ۱۵ سالگی روی صحنه رفته، شروع کار او از مثل قو بود. اولین صفحه او ۳۵ سال پیش ضبط و پخش شده است.

اولین آهنگ او در سال ۱۹۶۴ درست یکسال بعد از ظهور بیتل ها به زبان انگلیسی بود که از گروه بیتل ها اقتباس شد. شهرام این آهنگ را از ریتم غربی به ریتم شرقی برگرداند و اجرا کرد. دومین آهنگ او چیلی پوم بود که در آن ابی، خواننده پُرآوازه شرکت داشت. در جریان انقلاب ۵۷، شهرام به آمریکا آمد و در این سالها، بنا به عقیده خودش: بزرگترین و فراموش نشدنی ترین کارش، ساختن شعر و آهنگ «دیار» بود. شهرام شب پره برای خوانندگان بسیاری ترانه و آهنگ ساخته است. از این هنرمند، آلبومهای بسیاری نظیر: مدرسه، شاپرک، باغ الفباء و ریتم شب در دسترس میباشد. او اولین خواننده ای بود که در آگهی های تجارتي آواز خواند، اسو با طعمه پرتقالي از آن جمله است.

شهرام شب پره به هنرستان عالی موسیقی رفت و از آنجا فارغ التحصیل گردید. به اعتقاد این هنرمند: موسیقی ایران دارای سه سبک است: موزیک پاپ بدون ربع پرده که خوانندگانی چون: او، ویگن، داریوش، شماعی زاده، ابی، فرهاد، فرامرز اصلانی، اندی، مارتیک و پیروز و... می خوانند سبک سنتی که خوانندگانی چون: شجریان - فاختر و ناظری و... در آن می خوانند و سبک سوم، آمیخته ای است از این دو سبک و خوانندگانی چون: معین، ستار، شاهرخ، شهرام صولتی، امید و هوشمند عقیلی و... در آن فعالیت دارند.

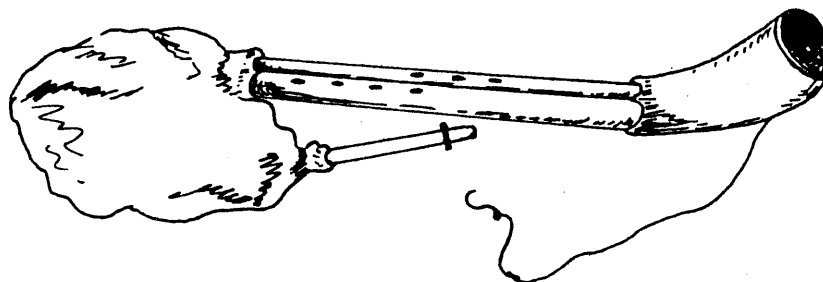
شب پره، شهبال [Šāhbāl Šabpare]: آهنگساز و نوازنده زبردست جاز که ۳۵ سال پیش (۱۹۶۵ میلادی)، گروه جنجالی بلاک کتز را در ایران بوجود آورد. او در آن زمان جاز میزد و برادرش شهرام نیز؛ به نواختن گیتار می پرداخت. شهبال شب پره، بعدها به آمریکا آمد و در آنجا نیز گروه بلاک کتز را تجدید سازمان نمود. (لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به بلاک کتز، گروه نگاه کنید). از گروه های دیگر موسیقی که توسط او بوجود آمد، گروه سیلووت است.

شبح، گروه [Gruhe Šabah]: گروه موسیقی پیش از انقلاب که پس از موفقیت بیتل ها، بوجود آمد. این گروه همدوره گروه های دیگر موزیک پاپ نظیر؛ اعجوبه ها، گلدن رینگ و پرستیژ بود. از معروفترین آهنگ های این گروه میتوان به ترانه: افسانه اشاره داشت.

شب خیز، رحیم [Rahim Šabxiz]: رحیم شب خیز در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. او در سال ۱۳۴۸ وارد مدرسه عالی تلویزیون و سینما شد و در رشته صدا برداری فارغ التحصیل گردید. و در همان سال با استودیوهای خصوصی: بل و صبا، برای ضبط موسیقی همکاری نمود. رحیم شب خیز، نزدیک به سی سال است که با رادیو تلویزیون ایران همکاری دارد.

شبدیز [Šabdiz]: از نغمات حزن انگیز در موسیقی قدیم ایران - حکایت ساخت این قطعه بدین قرار است که خسرو پرویز، اسبی داشت بنام شبدیز که بسیار مورد علاقه او بود، او دستور داده بود هرکس خبر مرگ اسبش را بیاورد، او را بدست جلاد خواهد سپرد، وقتی شبدیز مُرد، بارید آهنگی ساخت بسیار غم انگیز و وقتی خسرو پرویز این آهنگ را شنید گفت: مگر شبدیز مرده است. که چنین می نوازی. بارید گفت: این را خود فرمودید. امروزه نقش پیکر شبدیز در طاق بوستان کرمانشاه وجود دارد.

شبر [Šabr]: سازی است از آلات موسیقی بادی از رده نای انبان یا ارغنون. این ساز را شبور هم میگویند.



شبرنگ، ابوالقاسم [Abol-gāsem Šabrang]: از مرشدهای زورخانه زمان ناصرالدین شاه.

شبستری، شیخ محمود [Šeyx Mahmud Šabestari]: از عارفان مشهور سده هشتم و از شاعران متوسط پارسی گوی آن زمان است. سال تولد او ۶۸۷ هجری در شبستر از قراء نزدیک تبریز بوده و تربیتش در تبریز صورت گرفته است. شیخ محمود شبستری با آنکه در جوانی (۷۲۰ هجری) در گذشته، چند اثر به نظم و نثر از او باقی مانده، که معروفترین آنها، کتاب «گلشن راز» و سعادت نامه میباشد.

شب فرخ [Šabe Farrox]: لحن چهاردهم از الحان باربد در عهد ساسانیان.

شبور [Šabbur]: از آلات موسیقی بادی و از خانواده شیپور. نام دیگر این ساز، شبر است.

شبوط [Šabbut]: از آلات موسیقی زهی، شبیه به تنبور با کاسه طنینی بزرگ و شبیه به ماهی. شبوط نام گونه‌ای از ماهی میباشد و وجه نامگذاری این ساز به شبوط، بخاطر شکل شکم این ساز است.

شیری، شهین [Šahin Šobeyri]: خواننده قدیمی که اخیراً با آلبوم تمنا فعالیت های خود را در آمریکا آغاز نموده است.

شبیه اصفهانی، سید حسین [Seyyed Hoseyn Šabih Esfehāni]: از خوانندگان مشهور عهد قاجاریه و از شاگردان عبدالباقی است.

شبیه خوانی [Šabih-xāni]: نام نمایشی ایرانی که به آن تعزیه و تعزیه خوانی هم می گویند. شبیه خوانی، تأثیر فراوانی بر موسیقی آوازی ایران در عهد قاجار داشت.

شترغو یا شُدِ رغو [Šotor qu]: سازی است از آلات موسیقی رشته ای مقید از رده تنبور که کاسه و سطح آن طویل بوده و چهار وتر به آن می بستند.

تصویر در صفحه بعد



تصویر خیالی از شُترغو یا شُدُغو

شجاع [Šajāw]: نام یکی از سوراخهای نی که پشت نی قرار دارد و نی نوازان با انگشت شست (ابهام) آن را فروگیرند.

شجاع السلطنه، فتح اله میرزا [Fath-ollāh Mirzā Šojāw-ol-saltane]: از نوازندگان مشهور کمانچه در عهد محمد شاه قاجار است.

شجاعی، جواد [Javād Šojāei]: خواننده خوش صدا پیش از انقلاب که با ارکستر هدایت اله خیرخواه همکاری نزدیکی داشت.

شجاعی، حسن [Hasan Šojāwi]: خواننده خوش صدا و قدیمی ایران که هم چنان از فعالیت خوبی در اروپا برخوردار است. از حسن شجاعی ترانه های ماندگار بسیاری بجا مانده است نظیر: نامه رسان و دلمو پس نمیدی. حسن شجاعی در سالهای اخیر، مدتی به آمریکا آمد که حاصل آن تهیه دو آلبوم؛ فانوس و پرستوها بود.

شجاعی، سیدعلی [Seyyed Ali Šojāwi]: تیمسار سیدعلی شجاعی از شاگردان خصوصی موسیقی در مکتب استاد باقر نورین در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ خورشیدی هستند.

شجریان امیر [Amir Šajaryān]: نوازنده چیره دست دف که در تهران فعالیت دارد.

شجریان، سیامک [Siyāmak Šajaryān]: خواننده خوش صدا و برادر هنرمند گرانقدر، محمد رضا شجریان است که در لس آنجلس فعالیت دارد.

شجریان، سیاوش [Siāvoš Sajaryān]: خواننده خوش صدا و از همکاران هنرمند گرانقدر، حسن

یوسف زمانی. از این خواننده آلبومی بنام دشتی و ماهور در دسترس میباشد که در آن تصنیف مبتلاء در دستگاه ماهور، توسط او اجراء شده است. صدای سیاوش شجریان را، استاد عبادی با سه تار همراهی می کند.

شجریان، محمد رضا [Mohammad Rezā Šajaryān]: استاد محمد رضا شجریان، خواننده بزرگ و مشهور ایران در مهرماه ۱۳۱۹ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد و از چهارسالگی شروع به زمزمه کرد. مشوق او پدرش بود. رادیو خراسان در سال ۱۳۳۷ از او دعوت به همکاری نمود و او کار خود را بدون موزیک آغاز کرد. وقتی آوازه شهرت او به تهران و بگوش استاد داود پیرنیا رسید، از او جهت شرکت در برنامه گلهای رادیو دعوت بعمل آمد و شجریان در سال ۱۳۴۵ خورشیدی، همکاریش را با این برنامه جاویدان آغاز کرد. اولین برنامه او «برگ سبز» شماره ۲۱۶ در مایه افشاری با سنتورزنه یاد رضا ورزنه بود و پس از آن در بیش از یکصد برنامه گلها و برگ سبز شرکت جست و در حدود ۲۵۰ برنامه دیگر در رادیو اجرا نموده است. شجریان تقریباً ۷۵ تصنیف جدید و قدیم را که اکثر آنها بازسازی شده است اجرا نموده است. این هنرمند از سال ۱۳۴۵ با استاد احمد عبادی آشنا شد و شاگردی او را پذیرفت. استاد شجریان از سال ۱۳۵۴ به تدریس رشته آواز در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران مشغول شد. این رشته در سال ۱۳۵۸ به تعطیل کشیده شد.

شجریان، همایون [Homāyun Šajaryān]: خواننده و نوازنده زبردست تنبک که دانش موسیقی را از پدرش استاد محمد رضا شجریان آموخته و درکنسرت های پدرش، او را یاری میرساند.

شجاج [Šohhāj]: به آواز بد صدا اطلاق میشود

شُخَج [Šoxaj]: نام لحنی در موسیقی دوره ساسانیان است. هم چنین نام سازی است بادی از رده نای و آن استوانه ای است از جنس شاخ که فقط دو سوراخ دارد و از راس نای در آن می دمند.



شد اصل [Šadde Asl]: یا شدود از اصطلاحات موسیقی قدیم ایران است. شد اصل را از کوک های معمول و متعارف بر تارهای سازهای زهی می دانند.

شدرغو [Šadarqu]: یا ششدرغو یا شترغو: از آلات زهی با چهار سیم یا کاسه ای که بر نیمه آن پوست کشیده باشند. دسته این ساز، بلند بوده و سه تار آن نظیر بریط کوک میشود.

شدود [Šadud]: در موسیقی مقامی گذشته ایران، دوازده مقام و پرده را شدود می گفتند. شدود به معنی کوک کردن ساز هم آمده است.

شدود چهارگانه موسیقی قدیم [Šadude cahārgāneye qadim]:

شد اول: نوا و نیشابورک

شد دوم: دوگاه و حسینی و مخالف و عراق

شد سوم: راست پنجگاه یا شمالی و آبی

شد چهارم: مخالف، عراق، جنوبی و خاکی

شراره [Šarāre]: از خوانندگان گروه موسیقی سیلوت (شهرزاد - مهرانا و شراره با رهبری شهبال شب پره) که بعدها با انحلال این گروه به تنهایی به خواندن پرداخته است. اولین آلبوم این هنرمند، بعنوان یک خواننده مستقل؛ تابلو نام دارد و شراره به زبان عبری نیز می خواند.

شرح الادوار، کتاب [Ketābe Šarh-ol-advār]: کتابی در خصوص موسیقی که توسط عبدالقادر مراغه ای در سده هشتم هجری نوشته شده است.

شرحی بر رساله موسیقی جامی، کتاب [Ketābe Šarhi bar Resāleye Musiqie Jāmi]: نوشته استاد حسین علی ملاح، از انتشارات مجله موسیقی تهران - ۱۳۴۵ خورشیدی.

شرف [Šaraf]: شرف الدین علی یزدی ملقب و معروف به مخدوم و متخلص به شرف از جمله شاعران، مورخان و علمای مشهور نیمه دوم سده هشتم و نیمه اول سده نهم هجری است. او در زمان حکومت آل مظفر و تیموری میزیسته. سال وفات این شاعر ۸۵۳ هجری است. معروفترین کتاب او، ظفر نامه، میباشد. قصیده های این شاعر معروف است.

شرف الدین حسام [Šaraf-eddin Hešam]: از شعرای سده ششم هجری و همدوره با خاقانی

است. این شاعر در مدح رکن الدین خان مسعود از سلاطین خانیه ماوراءالنهر اشعاری سروده است.

شرف الدین شفروء [Šaraf-eddin Šofrue]: از شاعران اواخر سده ششم است. دیوان او حاوی هشت هزار بیت است.

شرف جهان قزوینی [Šaraf Jahān Gazvini]: میرزا شرف الدین سیفی حسنی قزوینی، متخلص به شرف در سال ۹۱۲ هجری در قزوین بدنیا آمد. این شاعر در سال ۹۶۸ در سن ۴۶ سالگی چشم از جهان فرو می بست. دیوان این شاعر بالغ بر چهار هزار بیت شعر دارد.

شرفشاهی [Šarafsāhi]: از الحان محلی در مایه دشتی، منسوب به سید شرفشاه که از پرده دشتی مایه میگیرد.

شرفشاهی



شرفیه، کتاب [Ketābe Šarafye]: این کتاب که توسط صفی الدین آرموی در خصوص موسیقی نوشته شده است، پایه و اساس موسیقی امروز جهان است.

شرق، سینما تاتر [Sinemā-Teātre Šarq]: سینمای همای رشت که در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در زمان اشغال ایران توسط متفقین به سینما تاتر شرق تغییر نام داده شد. در این محل برای اولین بار سرود ای ایران توسط ارکستر روح اله خالقی اجرا شد. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به: ای ایران، ای مرز پرگهر نگاه کنید.

شرق مازندران، موسیقی [Musiqye Šarqe Mázandarān]: موسیقی شرق مازندران که امروزه از میان دو رود ساری تا کوهپایه های تبری زبان گریان نواخته میشود، در پیوند با موسیقی روائی - منظومه ای مناطق دیگر ایران و نیز موسیقی نواحی دیگر مازندران، موسیقی کتولی، گُرداری، ترکمن و خراسانی است. گُدارها، نقش عمده ای در تکمیل این موسیقی داشته اند. مهمترین ساز موسیقی در شرق

مازندران دوتار است. این ساز، ساز مهاجر است که طی قرن‌ها از منطقه گرگان و دشت ترکمن به این ناحیه آمده است.

مهاجرت دوتار از موسیقی ترکمن به موسیقی شرق مازندران دارای نکته ویژه‌ای است. این نکته عبارت است از: تفاوت‌های پرده‌بندی و تفاوت شیوه نوازندگی است. هسته مرکزی این موسیقی دو مقام بزرگ هرائی است که خود در موسیقی ترکمنی (از حیث مضمون) و موسیقی شمال خراسان (از حیث لفظ) ریشه دارد و علاوه بر آن با خصوصیات از موسیقی کتولی، که خود آمیزه‌ای است از چند فرهنگ، درآمیخته است. بر بستر این دو مقام بزرگ، چندین شبه مقام و نیز منظومه‌های متعدد شکل گرفته است. مضمون‌های شعری موسیقی شرق مازندران، داستانهای عاشقانه، روایت کوچ و مهاجرت، اندوه و غربت و آرزوهای شیرین دست نیافتنی است.

شرقی [Šarqi]: نام لحنی است در ابوعطا، از متعلقات دستگاه شور

شروانی، محمود ابن ابی بکر [Mahmud ebn Abibakr Šervāni]: از دانشمندان و موسیقی شناسان سده هفتم هجری است که رساله اخوان الصفا، او در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود.

شُرود [Šarud]: سازی است از خانواده آلات موسیقی رشته‌ای. این ساز را شهرود نیز گویند.

شُرُوه [Šarve]: نوعی از خوانندگی و سرود خوانی، خاص مناطق، فارس، دشتستان و بوشهر است. موطن اصلی شروه، مناطق دشتی، دشتستان و تنگستان است. در این مناطق به شروه، حاجیانی یا شنبه‌ای نیز میگویند. در گذشته ملودی شروه، با مقدمه‌ای شروع میشد که متن آن شامل اشعار مولانا بود. این سنت در حال حاضر در دشتستان رواج دارد. به نظر میرسد، شروه خوانی از سنت اوستا خوانی و گاتا خوانی زرتشت باستان است. شروه بار عاطفی فرح انگیز و سوزناکی دارد.

شریعت، باقر [Bāqer Šariwat]: دکتر باقر شریعت از اعضای مؤسس انجمن موسیقی ملی ایران در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

شریف اعلم، محمود [Mahmud Šarif Aelam]: فرمانده موزیک شهربانی در تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۰ خورشیدی.

شریف تبریزی [Šarīf Tabrizi]: شریف تبریزی از شاعران نیمه نخستین سده دهم هجری و شاگرد لسانی شیرازی و از ملازمان درگاه شاه تهماسب صفوی است. شریف تبریزی شاعری بد زبان بود. دیوان این شاعر به شماره ۱۲۱۲ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار نگهداری میشود.

شریف، فرهنگ [Farhang Šarīf]: استاد فرهنگ شریف در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در آمل بدنیا آمد. ده ساله بود که با خانواده اش به تهران آمد. در نوجوانی به کلاس استاد علی اکبر خان شهنازی رفت و ردیف های موسیقی را از او آموخت. برادر استاد علی اکبر خان شهنازی، عبدالحسین خان هم در پرورش استاد فرهنگ شریف سهم بسزائی داشت. در سال سوم دبیرستان دارالفنون بود که برای اولین بار در رادیو برنامه اجرا کرد.

استاد فرهنگ شریف، از زمانی که برنامه گلهای جاویدان شروع شد، با آن همکاری داشت. هنرمندانی چون اکبر گلپایگانی و محمودی خوانساری اولین بار با فرهنگ شریف همکاریشان را با رادیو آغاز کردند.

شریف قزوینی [Šarīf Qazvīni]: از شبیه خوانهای معروف عهد قاجاریه است.

شریف، مرتضی [Morteżā Šarīf]: خواننده مشهور و از شاگردان ممتاز تاج اصفهانی که حنجره ای توانا دارد. مرتضی شریف، در اصفهان، در کنار خوانندگی به شغل قضاوت دادگستری نیز اشتغال داشت.

شریف همدانی [Šarīf Hamadani]: از موسیقی دانهای معروف عصر صفوی است.

شریفی، حسین [Hoseyn Šarīfi]: از آهنگسازان و نوازندگان مشهور گوردستان و همدوره با سعید فرج پوری، عزیز شاهرخ و کامکارها. حسین شریفی در نواختن ترومبون مهارت بسزائی داشته و سالها با ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی همکاری داشته است.

شریفی، غلام عباس [Qolām Abbās Šarīfi]: نوازنده چیره دست سه تار در گرگان.

شریفی، میرناصر [Mīr Nāser Šarīfi]: از ترانه سرایان مشهور معاصر و همدوره با ناصر رستگار نژاد، هاله، مهرداد اوستا و نظام فاطمی. از ترانه های ماندگاری که توسط این ترانه سرا سروده شده میتوان

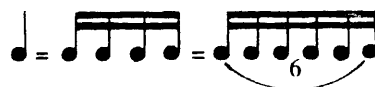
به: رعنا جان، بخواهی نخواهی، افسرده دل و بشنو این نغمه با صدای دلکش و آهنگ استاد مهدی خالدي اشاره داشت.

شست [Šast]: انگشت بزرگ دست یا ابهام. در تعیین انگشت گذاری بر سیم آلات زهی مقید، چون تار و سه تار. علامت بعلاوه (+) نشانگر کارگیری انگشت شست میباشد. در موسیقی به شست، مضرب هم میگویند.

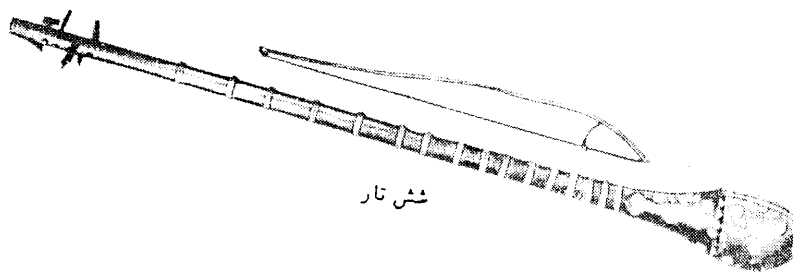
شستی [Šasti]: محل فرود مضرب های پیانو، ارگ، آکاردئون که صوت در آن بوسیله ضربه انگشتان دست بر شستی ها ایجاد میشود. شستی از انواع گرایلی در دستگاه شور میباشد.

شش آوازه [Šeš Āvāze]: در موسیقی مقامی گذشته شش آوازه به: گردانیه، گوشت، مایه، نوروز، سلمک و شهناز اطلاق میشد. دهخدا، شش آوازه را، بلند آوازه تعبیر نموده است. شش آوازه، یکی از ۳۲ دستگاه در طبقه بندی صفی الدین ارموی است.

شش بر چهار [Šeš bar Chār]: از اصطلاحات تقسیمات نت ها میباشد. شش بر چهار یعنی تقسیم نت به جای چهار قسمت، به شش بخش. (سکستوله)



شش تار [Šeš Tār]: از آلات زهی مقید شش سیمه، با کاسه ای گلابی شکل به اندازه کاسه عود، با ۶ سیم که دو بدو کوک میشوند. این ساز در خراسان و ازبکستان شوروی بسیار رایج است. دسته این ساز ۱۶ پرده دارد.

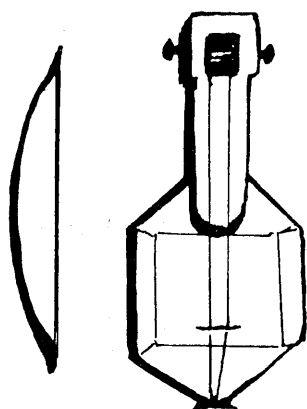


شش تار

شش چهارم [Šeš Čarom]: از تقسیمات میزان در موسیقی است. کسری معرف میزان ترکیبی دو ضربی به شکل $\frac{6}{4}$ (شش سیاه در یک میزان) با فرض گرد به عنوان واحد کشش میباشد که تقسیم بر چهار شده باشد.



شش خانه [Šeš Xâne]: از آلات زهی یک سیمه، لطفاً به ترنتای نگاه کنید.



ششخانه، متداول در عصر مولوی

شش دانگ [Šeš Dàng]: اصطلاحی است در خوانندگی و هم چنین: فاصله چهارم بر هریک از درجات گام (مقام) میباشد.

شش شانزدهم [Šeš Šanzdahom]: از تقسیمات میزان، معرف میزان ترکیبی دوضربی با شش دولا چنگ در هر میزان که به شکل $\frac{6}{16}$ نوشته میشود.



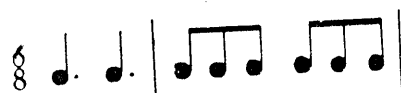
شش ضربی [Šeš Zarbi]: از تقسیمات میزان است که در آن در هر میزان ۶ ضرب وجود دارد.

شش گاه [Šeš Gáh]: از پرده های موسیقی (یک گاه، دو گاه، سه گاه، چهارگاه، پنجگاه و شش گاه)

اجرای پرده ششگاه، در راست پنجگاه معمولی بوده ولی امروزه وجود ندارد.

ششم [Šešom]: یکی از واحدهای مقامی موسیقی عهد ساسانیان در زمان بهرام پنجم.

شش هشتم [Šeš Haštom]: از تقسیمات میزان در موسیقی است و ترکیبی دوضربی است یعنی شش چنگ در هر میزان.



شطرنجی [Šatranji]: جمال الحکما دهقان علی شطرنجی از شعرای بزرگ اواخر سده ششم در ماوراءالنهر است و در شیوه شاعری، شاگرد سوزنی است.

شعاری، مسعود [Maswud Šowwāri]: نوازنده چیره دست سه تار که در تهران به فعالیت اشتغال دارد.

شعاع السلطنه، فتح اله میرزا [Fath-ollāh Mirzā Šowāw-ol-Saltane]: از نوازندگان مشهور کمانچه در دوره قاجار و همدوره با فیروز میرزای نصرت الدوله.

شعبات بیست و چهارگانه موسیقی مقامی [Šowabāte bist-o-chārgāneye Musiqiye Maqāmi]: شعبات ۲۴ گانه موسیقی قدیم ایران به روایت بهجت الروح و شرح الادوار بقرار زیر است:

شعبه	مشتق از مقام	مشتق از نغمه
اوج	عشاق	هشتم
بیاتی	کوچک	پنجم
چهارگاه	زنگوله	چهارم
دویک	حسینی	دوم
حصار	حجاز	هشتم
همایون	بزرگ	هفتم

مغلوب	عراق	هشتم
ماه‌ور	نوا	ششم
مب‌رقع	راست	هشتم
محیر	حسینی	هشتم
نو روز عجم	رُهاوی	ششم
نو روز عرب	رهاوی	اول
نو روز خارا	نوا	پنجم
نو روز صبا	بوسلیک	پنجم
نیریز	اصفهان	پنجم
نیشابورک	اصفهان	ششم
نهفت	بزرگ	هشتم
پنج‌گاه	راست	پنجم
رکب	کوچک	سوم
روی عراق	عراق	پنجم
سه‌گاه	حجاز	سوم
عزّال	زنگوله	پنجم
زابل	عشاق	سوم
عشیران	بوسلیک	-

شعبان خانی، علی اکبر [Ali-Akbar Šawbān-xāni]: علی اکبر شعبان خانی، معروف به تورج، در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او دوره سلُفَر را نزد زنده یاد مرتضی حنانه گذراند و کار خواندن را در کنار نواختن گیتار و سه تار ادامه داد. موسیقی متن فیلم‌های: آدمک، «بی‌گناه» و تکیه برباد از کارهای اوست. او نزدیک به ۵۳ آهنگ ساخته که معروف‌ترین آنها عبارتند از: همسفر با صدای ستار و نازی نازکن با صدای ابی. او ده آهنگ از ساخته‌های خودش را خوانده که معروف‌ترین آنها: گوهر یک دانه می‌باشد.

شعبان، مرشد [Morsēd Sawbān]: ضرب نواز و خواننده زورخانه چاله میدان. او صاحب این زورخانه بود.

شعبانی، عزیز [Aziz Šawbāni]: موسیقیدان، استاد تعلیم موسیقی، نویسنده کتاب های: شناسائی موسیقی ایران و تاریخ موسیقی ایران و مؤسس؛ هنرستان عالی موسیقی تبریز عزیز شعبانی در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در رضائیه بدنیا آمد.

نواختن ویلن را در سال اول دبیرستان در نزد جعفر نورین آغاز کرد و سپس در تبریز تحت تعلیم لئون گریگوریان، پدر هنرمند گرانقدر روبیگ گریگوریان قرار گرفت. او در سال ۱۳۲۸، کلاس آزاد موسیقی دایر کرد و در سال ۱۳۳۵ موفق به اخذ لیسانس در رشته زبان فرانسه از دانشگاه تبریز شد. او همزمان به ریاست هنرستان موسیقی تبریز برگزیده شد و در این پست ۶ سال کار کرد. پس از این زمان به تهران منتقل شد و به سمت رئیس اداره سرود و موسیقی انتخاب گردید. او در سال ۱۳۴۶ بازنشسته شد و سپس سرپرستی امور هنری دانشگاه شیراز به او واگذار گردید. هنرستان عالی موسیقی تبریز که با کوشش او تأسیس شده بود در سال ۱۳۵۸ بدستور خمینی، منحل گردید.

شعبانی، فتح اله [Fath-ollāh Šawbāni]: از نی نوازان مشهور تالش و گیلان.

شعبه [Šowbe]: از اصطلاحات موسیقی قدیم ایران، به مفهوم نغمه ای را از نغمه دیگر پژوهندن و یا منتقل نمودن آمده است.

شُعْبِیّه [Šowabiyye]: سازی است از آلات موسیقی بادی که به آن ارغنون دهنی و یا ساز دهنی هم میگویند.

شعر [Šewr]: فهم، درک، علم و دانش (واژه های: شعور، شاعر، مشاعر، مشاعره تمامی از ریشه شعر هستند). شعر: کلامی است موزون و مرتب که به قصد و اراده گوینده، بیان احساسات و آلام درونی است. شعر انواع و اقسام مختلف دارد.

شعر آزاد [Šewre Āzād]: شعر آزاد که به شعر نیمائی (نیمایوشیج) معروف است، شعری است موزون بر مبنای آزادی شاعر در انتخاب اندازه های طولی و قافیه شعر.

شعر آهنگین [Šewre Āhangin]: در مقابل شعر مجرد - شعری مقرون با لحن موسیقی و همراه با آهنگ و سرود.

شعر خنیائی [Šewre Xonyāwi]: شعری است آمیخته با موسیقی که پیش از حمله اعراب به ایران با رودکی و دیگر شعرای فارسی زبان که خود از موسیقی بهره داشته‌اند چون فرخی و نظامی و دیگران تداوم یافته است.

شعر رقصی [Šewre Raqsi]: شعری در نهایت طرب انگیزی که در شنونده ایجاد و میل به رقص نماید.

شعر سپید [Šewre Sepid]: شعری که ریشه در ادب اروپائی دارد. این شعر دارای وزن است. در آن قافیه وجود ندارد.

شعر عاشیقی [Šewre Āsiqi]: نخستین دیوان شعر عاشیقی، متعلق به عاشیق قوربانی است. اوج و تداوم این نوع شعر از اواخر سده نهم هجری و در زمان شاه اسماعیل شروع شده است.

شعر غنائی [Šewre Qenāwi]: شعری که برای تأثیر بیشتر در احساسات و عواطف شنونده نظیر: حماسه، حکمت، تعلیم و... موسیقی را بخدمت گرفته و با زمزمه و آهنگ همراه است.

شعر هجائی [Šewre Hejāwi]: شعری که معیار سنجش اوزان آن بر پایه تساوی هجاها و سیلاب‌ها باشد.

شفا، کتاب [Ketābe Šafā]: کتابی است که ابوعلی سینا در باره موسیقی نوشته است. این کتاب چهار بخش دارد که بخش سوم آن مربوط به موسیقی میشود. در این فصل مطالب بسیار مهمی در مورد تئوری موسیقی نوشته شده است.

شفای اصفهانی [Šafāwi Esfehāni]: حکیم شرف الدین حسین اصفهانی، متخلص به شفای از عالمان، پزشکان و شاعران زمان خود بود.

او در سال ۹۶۶ هجری بدنیا آمد. او در نزدیکی مسجد جامع اصفهان، پزشک خانه داشت و در آنجا به درمان بیماران می پرداخت. کلیات این شاعر و پزشک عالیقدر بالغ بر پانزده هزار بیت است. دیوان غزلهای او که دارای پنج هزار و پانصد بیت است به شماره Supp 1204 در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود.

شفائی، رسول [Rasul Šafāwi]: نوازنده و استاد تعلیم ضرب و دف که در اصفهان فعالیت دارد. رسول شفائی، در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. از کودکی با تهیه ضرب، پیش خود، شروع به نواختن آن نمود. در سال ۱۳۴۲، نزد هنرمندی بنام بهمن رجبی رفت و بعدها، معلم او؛ جلال داوری نوازنده کمانچه در اصفهان بود که به او ردیف های موسیقی سنتی ایران را یاد داد.

شفیعی، اسماعیل [Esmāwil Šafiwi]: سرپرست و مجری موسیقی فولکلوریک گیلان وابسته به وزارت فرهنگ و هنر در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی.

شفیعیان، رضا [Rezā Šafiwyān]: رضا شفیعیان نوازنده زبردست سنتور، در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. بعدها او به هنرستان عالی موسیقی رفت و بمدت ۶ سال تحت نظر استاد فرامرز پایور به تکمیل علم سنتور نوازی پرداخت. رضا شفیعیان سالها در ارکستر هنرهای زیبا به نوازندگی اشتغال داشت و بعدها کار خود را در ارکسترهای مختلف ادامه داد. او در سال ۱۳۴۵ به دانشکده موسیقی هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و لیسانس خود را در رشته موسیقی دریافت داشت.

شفیعی کدکنی، محمد رضا [Mohammad Rezā Šafiwi Kadkani]: محمد رضا شفیعی کدکنی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در کدکن نیشابور بدنیا آمد، تخلص این شاعر، سرشک میباشد. شعرهای او غالباً رنگ اجتماعی دارد. اوضاع اجتماعی ایران در دهه های چهل و پنجاه در شعر او بصورت تصویرها، رمزا، کنایه ها به تصویر کشیده شده است. از آثار این شاعر میتوان به: شبیخون، زمزمه، دژبان مرگ، در کوچه باغهای نیشابور، مثل درخت در شب باران، از بودن و سرودن و بوی جوی مولیان اشاره داشت.

شفیعی، منوچهر [Manucehr Šafiwi]: زنده یاد منوچهر شفیعی، خواننده خوش صدا قدیمی و همدوره قاسم جلی. از خاطره انگیز ترین ترانه های این خواننده میتوان به «مریم جان» اشاره داشت.

شقاقی، رضا [Rezā Šaqāqi]: رضا شقاقی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در سال ۱۳۳۶ به هنرستان موسیقی ملی به ریاست زنده یاد روح اله خالقی رفت و در کلاس استاد حسین تهرانی به فراگیری ضرب پرداخت. او در سال ۱۳۳۹ به تلویزیون رفت. رضا شقاقی، بعدها، علاوه بر نواختن ضرب، به نواختن سازهای محلی نظیر: دوزله و بالابان و سرنا هم پرداخت.

شقف [Šaqf]: سازی است کوبه ای که با دست و یا یک قطعه چوب نواخته میشود. این ساز در رده دف یا دایره قرار دارد.

شکارچیان، ارزمون [Arzmun Šekārcyān]: ارزمون شکارچیان در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در «طبق ده» شهرستان بهشهر بدنیا آمد.

او نوازنده دوتار، خواننده و یکی از بهترین روایت گران موسیقی گداری شرق مازندران است. ارزمون از کودکی نزد، عموی خود؛ نظام شکارچیان به فراگیر دوتار و مقام ها و روایت های گداری پرداخته است.

شکارچیان، اصغر [Asqar Šekārcyān]: خواننده معروف شرق مازندران.

شکارچیان، نظام [Nezām Šekārcyān]: زنده یاد نظام شکارچیان، از نوازندگان مشهور گدار مازندران است که نقش مهمی در موسیقی گداری داشته است. نظام شکارچیان، سمت معلمی به هنرمند ارزشمند و برادر زاده خود، ارزمون شکارچیان دارد.

شکارچیان، یزدان [Yazdān Šekārcyān]: زنده یاد یزدان شکارچیان از خوانندگان مشهور شرق مازندران بود که در بهار ۱۳۷۵ بر اثر سکته قلبی، چشم از جهان فرو بست. یزدان شکارچیان، فرزند اصغر شکارچیان خواننده مشهور شرق مازندران است.

شکارچی، علی اکبر [Ali-Akbar Šekārci]: علی اکبر شکارچی نوازنده چیره دست کمانچه در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در لرستان بدنیا آمد. او در کودکی با کمانچه آشنا شد و بعدها وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شده و موفق به اخذ لیسانس در رشته موسیقی گردید. علی اکبر شکارچی از سال ۱۳۵۵ همکاری خود را با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی آغاز کرد.

شکافه یا اشکافه یا شکفه [Šekāfe]: زخمه، مضراب که با آن ساز نوازند.

شکالور، پروین [Parvin Šakālvar]: نوازنده چیره دست غژک و از همکاران نزدیک استاد فرامرز پایور و هوشنگ ظریف.

شکر افشانندن [Šakar afsāndan]: خوش خواندن، خوش نوائی، نغمه های زیبا و دل نشین نواختن.

شکرائی، عبدالله [Abd-ollāh Šokráwi]: عبدالله شکرائی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. او در کودکی به تهران آمد. در نوجوانی سنتوری به مبلغ چهل تومان خریداری و به تمرین آنهم به دور از چشم پدر پرداخت. روزی پدرش بی خبر به خانه آمد و وقتی سنتور نواختن او را دید، برآشفته، سنتور او را شکسته و او را تنبیه سختی نمود. او بعدها به کلاس استاد اسماعیل مهردادش در جامعه بارید رفت و ردیف های موسیقی را فراگرفت. عبدالله شکرائی، نوازنده زبردست سنتور و از سازندگان صاحب نام این ساز است.

شکرائی، نصراله [Nasr-ollāh Šokráwi]: نصراله شکرائی در سال ۱۳۲۰ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. او مثل برادرش عبدالله شکرائی از کودکی به موسیقی علاقه پیدا کرد و چون دارای صدای خوبی بود، در کنار خواندن، ابتداء به نواختن فلوت پرداخت و سپس به: تنبک، سنتور، عود، بانجو، ماندولین و ویلن روی آورد. او نت خوانی و سلفژ را از هنرمندی انگلیسی بنام توماس لامار آموخت. پدر نصراله، همان کاری را که در مورد شکستن سنتور عبدالله برادرش کرده بود، در شکستن ویلن او نیز انجام داد و این عمل دوبار تکرار شد. نصراله شکرائی بعدها به کلاس استاد اسماعیل مهردادش در جامعه بارید رفت. نصراله شکرائی در حال حاضر به تدریس موسیقی و تعلیم ویلن اشتغال دارد.

شکرتوین [Šakar-tovin]: نام لحنی در موسیقی قدیم ایران است.

شکرریز [Šakar-riz]: خوش آواز، خوش نواز، خوش پنجه.

شکرساز [Šakar-saz]: از نواها و از الحان موسیقی قدیم ایران.

شکری [Šokri]: از شاگردان ممتاز درویش خان است که نامش شکراله بود و دوستانش او را شکری می نامیدند. او از شاگردان شعبه موزیک نظام بود و ابوا می نواخت. او تعلیمات موسیقی را از برادرش اسماعیل خان قهرمانی فراگرفت و سپس به شاگردی درویش درآمد. این نوازنده، با عارف قزوینی، انس و الفتی بسزا داشت و عارف از او به نیکی یاد می کند. شکری، آهنگهای ضربی را خوب می نواخت و پنجه اش در تار شیرین و لطیف بود. شکری در نواختن تابع ذوق بود نه ردیف.

شکری، شکراله خان اسماعیلی [Šokr-ollāh-xān Šokri]: ملقب به شکری استاد سازنده سنتور و سه تار.

شکری، قربان [Qorbān Šokri]: نوازنده زبردست تنبور در کرمانشاه، که در سال ۱۳۳۶ خورشیدی در روستای درآب از توابع بیلوار کرمانشاه بدنیا آمد. این هنرمند در کنار حرفه کشاورزی، ۲۶ سال است که تنبور می نوازد. قربان شکری در حال حاضر در جیحون آباد زندگی می کند.

شکسته [Šekaste]: از گوشه های اصلی دستگاه ماهور که به مناسبت نزدیکی فواصل، که در ماهور و بیات ترک با تنیک یکسان، یکی است، در بیان ترک نیز قابلیت اجرائی دارد، و امروزه از گوشه های اصلی ترک نیز بحساب می آید.



شکسته مویه [Šekaste Muye]: مقدمه ای برای ورود به مویه در دستگاه سه گاه که بعد از اجرای زابل، بصورت گوشه ای کوتاه و حالتی به عنوان تذکر مویه با توقف شاهد آهنگ به روی درجه ششم گام، اجرا میشود. این گوشه، در ردیف چپ کوک استاد فرامرز پایور بعد از حزان دیده میشود.

شکسته مویه



شکسته نصیر خانی [Šekaste Nasir-xāni]: این عبارت تنها در ردیف دکتر لطف اله مفخم پایان در ماهور ثبت شده است و مقصود قسمتی از نصیرخانی است که در گوشه شکسته تداوم می یابد.

شکک [Šakak]: سازی است از خانواده آلات موسیقی ضربی که به آن چغانه نیز گویند.

شکن در شکن [Šekan dar Šekan]: نغمه در نغمه، با نغمات و آهنگهای گوناگون.

شکوفه پور، احمد [Ahmad Šokufe Pur]: از ترانه سرایان امروز که اشعار آلبوم: باران با صدای امید، از سروده های ایشان است.

شکوفنده، کورش [Kuroš Šokufande]: آهنگساز و گوینده خوش صدای رادیوهای فارسی زبان لس آنجلس.

شکوفه نو (کاباره) [Kábāreye Šokufeye No]: کاباره شکوفه نو واقع در سی متری که هنرمندان ایرانی و خارجی در آن هنرنمایی می کردند.

شکوهی، علی [Ali Šokuhi]: آهنگساز فعال در تهران که از او موزیک فیلم پرچمدار ساخته شهریار بحرانی در سال ۱۳۶۳ قابل ذکر است.

شکوهی نیا، ناصر [Nāser Šokuhi-nya]: ناصر شکوهی نیا در سال ۱۳۳۴ خورشیدی در شهرستان خوی بدنیا آمد. او از فارغ التحصیلان دانشکده صدا و سیما در رشته صدا برداری است. او جزو اولین گروه از صدا برداران است که با سیستم Multi-Track آشنا گردید.

شکوهی، هوشنگ [Hušang Šokuhi]: دکتر هوشنگ شکوهی، نوازنده چیره دست ویلن و از شاگردان استاد غلامحسین نیکرویان است.

شکیبی اصفهانی [Šakibi Esfehāni]: محمد رضا اصفهانی، متخلص به شکیبی در سال ۹۶۴ هجری در اصفهان بدنیا آمد. در سن ۳۴ سالگی به هندوستان و بدربار نورالدین محمد جهانگیر رفت و ترقی بسیاری نمود، تا جایی که صدارت دهلی بوی داده شد. شکیبی اصفهانی در سال ۱۰۲۳ هجری درگذشت. مشهورترین کتاب این شاعر؛ ساقی نامه نام دارد.

شکیلا [Šakilā]: شکیلا خواننده خوش صدا و صاحب سبک جنوب کالیفرنیا، کار خواندن را از ایران شروع نمود و در آنجا به گوشه وردیف های موسیقی ایرانی آشنا گردید. او در سال ۱۹۸۵ به آمریکا آمد و در سندیاگو اقامت گزید. از آغاز اقامت به خواندن ادامه داد ولی کار جدی خود را از ۶ سال پیش (۱۹۹۴)

چنگیز وثوقی، در سال ۱۳۵۳ را در کارنامه هنری خود دارد. «مروارید» از جدیدترین آلبومهای این هنرمند است.

شماعی زاده، عقیق [Aqiq Šamāwi-zāde]: دختر هنرمند گرانقدر، حسن شماعی زاده است. از او ترانه هائی همراه با صدای پدرش در دسترس میباشد.

شمال خراسان؛ موسیقی [Musiqiye Šomāle Xorāsān]: شمال خراسان، در برگیرنده شهرهای بجنورد، اسفراین، دره گز، قوچان و شیروان از مناطقی است که موسیقی آن از تنوع قابل توجهی برخوردار است. موسیقی این منطقه که مورد بی لطفی شدید موسیقی شناسان قرار گرفته، یکی از اصیل ترین، قدیمی ترین موسیقی ایران زمین است. تنها کتابی در زمینه موسیقی خراسان انتشار یافته، کتاب موسیقی تربت جام نوشته محمد تقی مسعودیه است. از قدیمی ترین اطلاعات منتشر شده در باره موسیقی خراسان، نوشته های ایوانف، مستشرق روسی است. کتاب او تحت عنوان: مردم شناسی خراسان است. بخش عمده ای از ساکنان شمال خراسان را مهاجران کُرد و ترک تشکیل میدهند. موسیقی شمال خراسان، قسمتی از آن، موسیقی کوهپایه ای است. موسیقی کوهپایه های؛ هزار مسجد، الله اکبر، دامنه های اتک و منطقه لائین. موسیقی کوهپایه ای خراسان، توام با فریاد است و در مقایسه با موسیقی جلگه ای قوی تر، رساتر و گاهی تندتر است. موسیقی جلگه قوچان، ملایم تر و درونی تر است. در میان مردم منطقه لائین، میان کلات و دره گز و دامنه های کوه هزار مسجد، گرایش به عرفان به شکل نسبتاً گسترده ای وجود داشته است. از شاعران مشهور این منطقه میتوان به جعفرقلی، هروخان تیرگانی و هی محمد درگزی و ابن غریب اشاره داشت.

شاعران و عارفان این منطقه به زبانهای فارسی، کردی، ترکی و عربی شعر میسرودند. در زیر به آهنگ های معروف شمال خراسان اشاره میشود: الله مزار: آهنگی است که پس از غارت و کشتار و اسارت بر سر مزار عزیزان از دست رفته خوانده میشود.

دوقرسه: پس از قتل و عام و کشتار، کشته ها را در وسط جمع کرده برگرد آنها دور زده و این مراسم مبداء رقص و آهنگ دوقرسه میباشد.

انارکی: مربوط به لحظات پس از هجوم بیگانگان و کشتار است که زنان دور اجساد جمع شده و تار میزنند. هه رای (هرای) آواز فریاد کوهستان است که گویای زندگی پُرحادثه و پُرسوز و گداز و آوارگی مردم کُرد آن ناحیه است. این آهنگ برای درگذشت «رضاقلی خان ایلخانی زعفرانلو» ساخته شده است.

نوازندگان شمال خراسان را میتوان به سه گروه اصلی تقسیم کرد: عاشق ها، بخشی ها و لوطی ها. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به هر کدام نگاه کنید.

رقص در شمال خراسان شامل گونه های: یک قرسه، دو قرسه، شش قرسه و انارکی است، که معمولاً

میلادی) شروع کرد. شکیلا خواننده‌ای است که صدای خوب و صاف داشته و در کنار آن آگاهی‌های لازم در گزینش ترانه و آهنگهای خوب را دارد. آهنگسازان بنامی چون: بابک افشار، محمد حیدری و جهانگیر پازوکی با این خواننده همکاری دارند. کمی با من مدارا کن، گریه در رگبار، آخرین کوکب، یگانه، ارثیه‌های عاطفی، غیبت نور از آلبوم‌های این خواننده است که پخش شده است.

شلاقی نواختن [Šallāqi Navāxtan]: اصطلاحی در نواختن تنبک زورخانه، وقتی که مرشد، با کف دو دست می‌نوازد و بندرت از میچ‌ها استفاده می‌کند.

شلیاق [Šalyāq]: از آلات موسیقی زهی یونان و روم قدیم که شبیه به چنگ می‌باشد.

شلیل [Šolayl]: آهنگی محلی بختیاری که توسط استاد هائی چون: ادیب خوانساری، تجویدی، کسائی و جلیل شهناز به اجرا در آمده است. شلیل در برنامه‌های هنرستان عالی موسیقی جزو دروس می‌باشد.

شلیله، عسکر [Askar Šolayl]: از معلمین موسیقی در هنرستان موسیقی ملی که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی به همت استاد روح‌اله خالقی تأسیس شد.

شماعی زاده، حسن [Hasan Šamāwi-zāde]: حسن شماعی زاده آهنگساز و خواننده مشهور ایران که سالهاست در رشته موسیقی فعالیت دارد. او در دهه چهل در گروه جنجالی بلاک کتز به نوازندگی اشتغال داشت و نقش سازنده‌ای در گرایش گروه‌های پاپ به سمت موسیقی ایران ایفا کرد. گروه‌های نظیر: تک خالها، اعجوبه‌ها، شب و پرستیز.

حسن شماعی زاده، ۳۰ سال است که بر صحنه هنر موسیقی ایران مانده و نوآوری‌های جالبی را ارائه داده است. او برای سرشناس‌ترین خوانندگان قدیمی و جدید آهنگ ساخته که بالغ بر ۹۰ درصد این آهنگها ماندگار شده است.

شماعی زاده اولین خواننده‌ای است که آثارش به یونانی، ترکی، هندی، عربی، و فرانسوی خوانده است. او در دهه ۱۹۷۰، تحولی در موسیقی ایران بوجود آورد و سیر موسیقی مدرن را عرضه کرد و تا به امروز بسیاری از خوانندگان با سبک او کار می‌کنند. شماعی زاده پس از انقلاب به آمریکا آمد و در این ۲۰ سال، از فعال‌ترین هنرمندان خارج از کشور بشمار میرود. او ساکن لس‌آنجلس است. حسن شماعی زاده در زمینه ساختن موزیک متن فیلم: خوشگلا عوضی گرفتین، ساخته خسرو پرویزی و با شرکت: سپیده،

موسیقی آن توسط عاشق‌ها با سازهایی چون سورنا: دُهل، قشمه، دایره و کمانچه نواخته می‌شود.

شمالی [Šamāli]: نغمه‌ای در آواز ابوعطا. شمالی دارای وزنی مخصوص به خود است.

شمالی



شمامه [Šamāme]: از آلات موسیقی بادی که به آن شبابه نیز گویند.

شمر خوانی [Šemr-xāni]: شمر خوانی در تعزیه معمولاً در دستگاه نوا و یا رجز خوانده می‌شود.

شمس [Šams]: شمسی شمس، خواننده قدیمی سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی و همدوره با حسین قوامی (فاخته)، دلکش و روح بخش است. از زیباترین و ماندگارترین ترانه‌های این خواننده: بلبل به چمن. می‌باشد که آهنگ آن از حبیب اله بدیعی و شعر آن از معینی کرمانشاهی است. شمس این ترانه را در بیات ترک، اجرا نموده است.

شمس‌الدین بهبهانی، مهدی [Mehdi Šams-eddin Behbehāni]: از اعضای مؤسس انجمن موسیقی ملی ایران در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

شمس‌الدین شت‌گله [Šams-eddin Šat Kole]: امیرالشعرا شمس‌الدین شت‌گله از شعرای معروف ایران در نیمه دوم سده ششم و از ندیمان دربار سلطان طغرل بن ارسلان بود (شت‌گله بمعنی شت کوتاه می‌باشد).

شمس‌الدین کاشانی [Šams-eddin Kāšāni]: از شاعران اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری است.

شمس‌الذاکرین کاشی، شیخ حبیب اله [Šeyx Habib-ollāh Šams-ol-zākerin]: از

روضه خوانان مشهور عصر قاجار است که در کاشان بدنیا آمده است. او پس از آمدن به تهران، روضه خوان احمد شاه قاجار شد. او از شاگردان حسین حاجی غفار، خواننده نامی کاشان بود. ابراهیم بوذری چند وقت نزد شمس الذاکیرین مشق آواز گرفته است.

شمس الملکی، میرزا حسن خان [Mirzā Hasan-xān Šams-ol-molki]: از موسیقیدانها و خوانندگان مشهور عهد قاجاریه و چون در پست خانه کار می کرد به او میرزا حسن خان پست خانه هم می گفتند.

شمس الواعظین، سید علی اکبر [Seyyed Ali-Akbar Šams-ol-vāwezin]: از روضه خوانان مشهور عهد قاجاریه است. پسر او، سعید الواعظین نیز صوت زیبایی داشت.

شمسائی، رضا [Rezā Šamsāwi]: شاعر، پژوهشگر، نویسنده و روزنامه نگار در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. او سالها با رادیو و مطبوعات همکاری مستمری داشت. تخلص او در شعر، شمس می باشد و در طنز با اسامی مستعاری چون: میرزا رضا، سیمرخ، ویلان الدوله، زرشک آبادی و ظریف مطلب می نویسد. استادش را مهرداد اوستا میداند و با راهنمایی و معرفی ایشان به انجمن ادبی ایران راه می یافت.

رضا شمسائی، ترانه سرائی است که این کار را با برنامه صبح جمعه رادیو ایران در زمان تصدی زنده یاد مهدی سهیلی که زمان آن نیم ساعت بود و بخاطر هنرنمایی هنرمندان جوان بوجود آمده بود. آغاز کرد.

شمسائی، هوشنگ [Hušang Šamsāwi]: آهنگساز و ویلونیسست چیره دستی که در خوزستان فعالیت دارد.

شمس، بهرام [Bahrām Šams]: از نوازندگان چیره دست تنبک که در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. برادر او محمد شمس که ویلن می نواخت، مشوق او بود. فراگیری اصولی ضرب را نزد حسین خرسندی و عبدالله میرلو که از شاگردان استاد حسین تهرانی بودند آموخت. بعدها به رادیو راه یافت و با هنرمندانی چون: مرتضی محجوبی، منصور صارمی و احمد ابراهیمی همکاری خود را آغاز کرد. (سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی). او سالها در ارکسترهای معروف آن زمان، نظیر: عبدالله جهان پناه، حسین علی ملاح، ضیاء مختاری، شیر همایون شهردار، ابراهیم منصوری، برادران معارفی، محمود ذوالفنون، سرخوش، برادران نورین به نواختن ضرب پرداخت.

شمس تبریزی [Šamse Tabrizi]: شیخ شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی از بزرگترین متفکران، ادیبان و دانشمندان ایران است که از مسائل دنیائی دل کنده و به سیر و سفر می پردازد. در سال ۶۴۲ هجری - قمری در قونیه با مولانا جلال الدین محمد (مولوی) دیداری دارد که مولوی را دگرگون میسازد. شاگردان مولانا از این دگرگونی در شگفت آمده و تصمیم بر آن میگیرند که او را از دیدار شمس دور دارند. یکبار شمس را وا داشتند تا قونیه را ترک گوید و چون رفت، مولانا چندان به اندوه و بی تابی دچار گشت که به ناچار شمس را بازگردانیدند ولی در سال ۶۴۵ دوباره بر او شوریدند و به گفته‌ای او را کشتند. دیوان کبیر غزلهای مولوی بنام دیوان شمس تبریزی خوانده می‌شود.

شمس خاله [Šams Xāle]: عمده‌الملک مؤید الحدادی معروف به شمس خاله از شاعران اواخر سده ششم است که در سمرقند ساکن و مداح سلاطین آل افراسیاب بود.

شمس شترغوهی ورامینی [Šams Šotor-Quhi Varāmīni]: از نوازندگان معروف دوره صفویه است. او نخست از ملازمان، حمزه میرزا، پسر بزرگ سلطان محمد و برادر شاه عباس، بود که بعدها به دربار شاه عباس رفت و مورد توجه آن پادشاه قرار گرفت.

شمس طبسی [Šams Tabasi]: از شاعران مبتکر ایران در اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم است. وفات این شاعر در سال ۶۲۴ هجری در هرات اتفاق افتاده است.

شمس، فرهاد [Farhād Šams]: نوازنده و استاد تعلیم فلوت که در تهران فعالیت دارد.

شمس، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Šams]: گروه مشهور تنبور نواز ایرانی که از اعضای زیر تشکیل یافته است: کیخسرو پورناظری، علی اکبر مرادی، گل نظر عزیزی، عبدالرضا رهنما و افشین رامینی که تنبور می نوازند. طهمورث پور ناظری: دهل، اردشیر فهیمی و بیژن کامکار: دف.

شمس، مجید [Majid Šams]: مجید شمس از نوازندگان زبردست تنبک میباشد. او در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمده است. مجید شمس، از شاگردان استاد امیر ناصر افتتاح است.

شمس، محمد [Mohammad Šams]: از فارغ التحصیلان دوره چهارم هنرکده موسیقی ملی در

سال ۱۳۵۸، در رشته؛ کارشناسی موسیقی ملی.

از این هنرمند، آلبوم، سوئیت ایرانی با ۱۲ قطعه در دسترس میباشد. موزیک متن فیلم: خانه آقای حقدوست، ساخته محمود سمیعی در سال ۱۳۶۱ از ساخته های محمد شمس است.

شمسیه [Šamsiye]: به سوراخ های روی صفحه قانون که به اشکال مختلف میباشد گفته میشود.

شمشال [Šemšal]: از آلات موسیقی بادی محلی در گوردستان و نواحی جنوبی ایران. با طول ۴۵ تا ۵۰ سانتی متر با چهار یا پنج سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت. حدود صوت این ساز ماکزیمم تا یک اکتاو است. صدای این ساز دو رگه است و دو بخش صوتی دارد، یکی بم و دیگری زیر.

شمیرانی، حسین [Hoseyn Šemirāni]: از خوانندگان مشهور عهد قاجاریه و همدوره با سید احمد خان، نایب ابوالقاسم، طاهرزاده و میرزا ابوالحسن داود.

شمیرانی، حمید [Hamid Šemirāni]: نوازنده زبردست فلوت در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی تهران.

شمیم، علی اصغر [Ali-asqar Šamim]: از اعضای مؤسس انجمن موسیقی ملی ایران در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

شناسا، مسعود [Maswud Šenāšā]: مسعود شناسا در سال ۱۳۳۱ خورشیدی در شیراز بدنیا آمد. در نوجوانی، موسیقی را با نواختن ضرب، آغاز کرد ولی بعد از چندی به سنتور روی آورد. مسعود شناسا در سال ۱۳۵۱ پس از دریافت دیپلم طبیعی، در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران نام نویسی کرد و نزد دکتر داریوش صفوت و دکتر نور علی خان برومند مشغول فراگیری ردیف های میرزا عبدالله شد. ساز تخصصی این هنرمند، سنتور است.

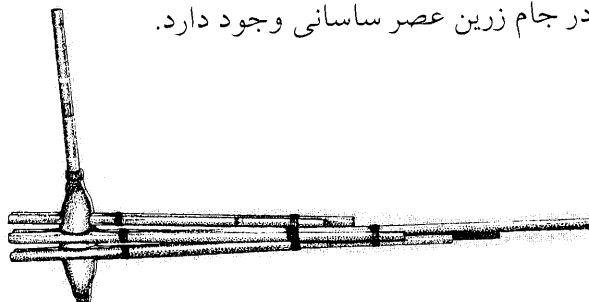
شنجرفی، جهان [Jahān Šanjorfi]: از نوازندگان مشهور سنتور و همدوره با اسماعیل تهرانی، منوچهر صادقی و عباس زندی.

شنداق [Šondāq]: نام یکی از انواع کوک در موسیقی است. این کوک از بهترین کوک های سیصد و

شست گانه ختائی، ساز شدرغو میباشد.

شندف [Šandaf]: سازی است کوبه‌ای که در ساختمان آن پوست بکار رفته است. در بعضی از فرهنگها، شندف را طبل، دمامه و دُهل بزرگ معنی کرده‌اند.

شنگ [Šeng]: سازی بادی شبیه به چیک چینی و دارای نی‌های زیادی است. به این ساز مُشته نیز میگویند. طرحی از این ساز در جام زرین عصر ساسانی وجود دارد.



شنود [Šonud]: نام رسم و آئین مشهور در دوره ساسانیان است و آن کشیدن پرده نازکی بین پادشاه و نوازندگان بوده است.

شواش، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Šavāš]: این گروه موسیقی به سرپرستی احمد محسن پور به اجرای ترانه‌های محلی مازندرانی می‌پردازد.

شوان [Šavān]: دکتر شوان پرور (Sivan Perwer) موسیقیدان، خواننده و نوازنده معروف گُرد که سالهای بسیاری است در عرضه موسیقی گُردستان به فعالیت اشتغال دارد. دکتر شوان در خارج از ایران نیز، چهره‌ای شناخته شده است.

شور [Šur]: سازی است بادی. نایی است ساده که خاص چوپانان و کوچ نشینان است. شور سه سوراخ در رو و یک سوراخ در پشت دارد و نوازنده این ساز را شبیه به قره نی می‌نوازد.

شورافکن، علی [Ali Šur-afkan]: معلم موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران.

شورانگیز [Šur-angiz]: خواننده مشهور پیش از انقلاب که در حال حاضر در لس آنجلس از فعالیت کمی برخوردار است. از شورانگیز ترانه‌های ماندگاری چون: گل کرد، بهار ایران، گلین خانم، هفت رنگ،

باغ غزل و آلبوم دل دیوانه در دسترس می‌باشد.

شورای عالی رادیو [Šourāye Āliye Rādyo]: برنامه های رادیو و موسیقی آن، زیر نظر شورای عالی رادیو تهیه می‌شد. اعضای شورای عالی رادیو عبارت بودند از: ذکاءالملک فروغی، محمد قزوینی، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر رضازاده شفق، دکتر قاسم غنی و استاد علی نقی وزیری. این اداره در سال ۱۳۴۲ خورشیدی به وزارت اطلاعات تغییر نام داد و در سال ۱۳۵۲ به آن وزارت اطلاعات و جهانگردی اطلاق گردید.

شور، دستگاه [Dastgāhe Šur]: در بین دستگاه های هفتگانه موسیقی ایرانی، دستگاه شور از همه بزرگتر است که به آن مادر همه آوازاها می‌گویند. این دستگاه علاوه بر آوازهای فرعی دارای ملحقاتی نیز می‌باشد. نظیر آواز حجاز از فروع ابوعطا و دوگاه و مهدی ضرابی از متعلقات بیات ترک و غم انگیز و گیلکی و چوپانی از ملحقات دشتی. چهار آواز دستگاه شور عبارت است از: بیات ترک، دشتی، ابوعطا و افشاری. دستگاه شور سابقه بسیار کهن دارد و بیشتر موسیقی محلی و آنچه در ایلات نواخته و خوانده می‌شود جزو این دستگاه است. شور، آواز متداول بین مردم است. این آواز برای ابراز احساسات درونی، از قبیل عشق و محبت، عاطفه و ترحم و امثال آن بسیار مناسب است. نام های آواز شور، کاملاً طبیعی است و غمگساری آن مانند آواز دشتی، خانمان سوز و جانگداز نیست. یکی از متعلقات مهم دستگاه شور، حجاز است که برای خواندن قرآن و مناجات های مذهبی از آن استفاده می‌شود.

ردیف های شور به روایت میرزا عبدالله عبارت است از: ۱- درآمد اول ۲- درآمد دوم ۳- درآمد سوم، کرشمه ۴- درآمد چهارم، گوشه رُهاب ۵- درآمد پنجم، اوج ۶- درآمد ششم، ملا نازی ۷- نغمه اول ۸- نغمه دوم ۹- زیرکش سلمک ۱۰- ملا نازی ۱۱- سلمک ۱۲- گلریز ۱۳- مجلس افروز ۱۴- غُزال ۱۵- صفا ۱۶- بزرگ ۱۷- کوچک ۱۸- دو بیتی ۱۹- خارا ۲۰- قَجَر، فرود ۲۱- حزین ۲۲- شور پائین دسته ۲۳- گوشه رُهاب ۲۴- چهار گوشه ۲۵- مقدمه گریلی ۲۶- رضوی، حزین، فرود ۲۷- شهناز ۲۸- قَرچَه ۲۹- شهناز گُت (عاشق کش) یا عقده گشا ۳۰- رنگ اصول ۳۱- گریلی یا گریه لیلی ۳۲- رنگ شهر آشوب.

ملحقات شور: آواز ابوعطا (لطفاً به ابوعطاء نگاه کنید). بیات ترک (لطفاً به بیات ترک نگاه کنید). دشتی (لطفاً به دشتی نگاه کنید). افشاری (لطفاً به افشاری نگاه کنید).

شور



شور دو [Šure do]: شوری که پایه (تنیک) گام و شاهدش صدای "do" باشد.

شورک [Šurak]: نام یکی از گامهای موسیقی ایرانی که در موسیقی برخی از کشورهای عربی نظیر مصر، تونس و مراکش دیده میشود.

شوریده [Šuride]: حاج محمد تقی شوریده، شاعر نابینای شیرازی در سال ۱۲۷۴ هجری بدینیا آمد و در هفت سالگی به بیماری آبله مبتلاء و هردو چشم خود را از دست داد. شوریده در سال ۱۳۱۱ هجری، همراه با حسین قلی خان مافی (نظام السلطنه) از شیراز به تهران آمد و نزد میرزا علی اصغر خان اتابک تقرب یافت. غزلهای او بسیار معروف است. او در مدح ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قصایدی سروده که از شاهکارهای او به شمار میروند.

شوریده در سال ۱۳۱۴ به شیراز مراجعت کرد، و درگذشت او در سال ۱۳۴۵ هجری برابر با ۱۳۰۵ خورشیدی اتفاق افتاد. مقبره این شاعر بزرگ، در جوار قبر سعدی است.

شوشا [Šušá]: خواننده قدیمی ترانه های محلی و فولکوریک ایران که در اجرای ترانه های محلی نقاط مختلف ایران مهارت بسزائی دارد.

اجرای؛ تفنگ نقره، گل گندم، وارن وارنه، ستاره آسمون، سرکتل، دستمال حریر، پاچه لیلی، لالائی و دختر بویراحمدی و بسیاری از ترانه های محلی دیگر در کارنامه هنری این هنرمند است.

شوشتری [Šušteri]: از بخش ها و نغمه های اصلی دستگاه همایون. شوشتری در مقام مقایسه با بعضی از دیگر گوشه ها، از وسعت نسبی برخوردار است. گستردگی این گوشه، اجرای منصور و زابل چهارگاه را در آن امکان پذیر میسازد. کلنل وزیری عقیده دارد؛ شوشتری عیناً مثل ابو عطا است منتهی با سی بکار.

شوشتری



شوشتری گردان [Šuštari Gardân]: این گوشه در دستگاه همایون، بیشتر با نام «فرنگ» مشهور است. شوشتری گردان تا محدوده پنجم و ششم همایون رفته و به روی درجه اول گام همایون ایست می کند.

شوشتری گردان



شوشتری منصوری [Šuštari Mansuri]: اجرای منصوری است در شوشتری همایون که با کاستن ربع پرده از درجه پنجم گام همایون صورت می گیرد.

شوشک [Šušak]: رباب چهاروتره و یا چهارسیمه راگویند. این ساز با کمانه یا آرشه نواخته میشود.

شوق آور [Šowq Ávar]: نام یکی از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی که در موسیقی عرب وجود دارد.

شوق افزا [Šowq afzâ]: از مقامات موسیقی معمول در مصر که نام ایرانی دارد.

شوق انگیز [Šowq angiz]: نام یکی از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی که در موسیقی عرب وجود دارد.

شوق دل [Šowq Del]: از اصطلاحات ۹۷ گانه موسیقی قدیم ایران که در موسیقی عرب وجود دارد.

شوکت بخاری [Šouqate Boxāri]: خواجه محمد بن اسحاق بخارایی، متخلص به شوکت از شاعران سده یازدهم و آغاز سده دوازده هجری است. این شاعر در سال ۱۱۰۷ در اصفهان چشم از جهان فرو بست.

از دیوان قصائد و غزلها و رباعیات این شاعر، نسخه های متعددی در کتابخانه موزه بریتانیا و کتابخانه ملی پاریس وجود دارد.

شوکتی، هوشنگ [Husang Šoukati]: از خوانندگان خوش صدا که در مدت زمان کمی به معروفیت رسید و خیلی زود در اوج از کار خوانندگی دست کشید. هوشنگ شوکتی، برادر هنرمند بزرگ تاتر و سینمای ایران، علی اصغر گرمسیری است. او برادر دیگری بنام عباس شوکتی دارد که از فارغ التحصیلان دوره اول هنرستان هنرپیشگی تهران است. هوشنگ شوکتی برای اولین بار در برنامه شیر و خورشید سرخ ایران که از رادیو ایران پخش میشد، شرکت کرد. او بعدها همکاری خود را با پرویز یاحقی، فرامرز پایور و انوشیروان روحانی آغاز نمود.

از زیباترین ترانه های هوشنگ شوکتی به: سفرکرده، افسوس و ترانه های فیلم های ماندگار مجید محسنی میتوان اشاره نمود.

شهاب [Šahāb]: خواننده جوان ساکن لس آنجلس که از او آلبوم مادر در دسترس میباشد.

شهاب [Šahāb]: میرزا نصراله «شهاب» اصفهانی از شعرای بزرگ نیمه دوم سده سیزدهم هجری است. او در سال ۱۲۵۴ هجری به تهران آمد و مشمول عنایت میرزا آقاسی صدراعظم قرار گرفت و او را به تاج الشعرا ملقب کردند. شهاب در سال ۱۲۹۱ هجری چشم از جهان فرو بست.

شهاب اصفهانی [Šahāb Esfehāni]: خواننده مشهور عهد قاجار و همدوره با سیدعلی عسگر گردستانی و میرزا حسین ساعت ساز اصفهانی.

شهاب، مظهر [Mazhar Šahāb]: از خوانندگان مشهور اصفهان و از شاگردان ممتاز سید رحیم و همدوره با استاد جلال تاج اصفهانی و قاضی عسگر.

شهاب مؤید [Šahāb Mowayed]: شهاب الدین احمد بن مؤید سمرقندی از شاعران بزرگ اواخر سده ششم هجری است. وی با سوزنی معاصر بوده است.

شهاب مهمره [Šaháb Mohmare]: شهاب الدین بداونی معروف به شهاب مهمره از شاعران پارسی گوی هندوستان در نیمه اول سده هفتم هجری است. وی اهل بداون هند که یکی از مراکز تجمع مهاجران ایرانی بود می باشد.

این شاعر در آغاز عهد حکومت ممالیک غوری، در دهلی بسر میبرد. قصاید چندی از این شاعر باقی مانده است.

شهاب، یوسف [Yusef Šaháb]: از صدابرداران و صداگذاران معروف در رسانه های خبری - تصویری لس آنجلس که در امر ضبط موسیقی و ترانه های خوانندگان ایرانی از فعالیت بسیار خوبی برخوردار است. استودیوی ۴۲ محل بیشترین فعالیت اوست.

شهابی [Šahábi]: گوشه ای که استاد ابوالحسن صبا از شهاب السادات اصفهانی شنیده و در ردیف موسیقی ایران وارد کرده است. شهابی از درجه دوم بیات ترک، با وزنی سنگین آغاز شده و بصورت جمله به جمله حرکت می کند. به شهابی، امیری هم میگویند.



شهابی سورنا [Šahábi Sorná]: از آلات بادی که در خانواده سورنا قرار دارد.

شهابی، محمد علی [Mohammad Ali Šahábi]: محمد علی شهابی در سال ۱۲۸۳ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. او از سن ۱۲ سالگی به فراگیری موسیقی و نواختن تار پرداخت. معلم اول او پدرش بود و سپس در خدمت: درویش خان، مرتضی خان نی داود، علی اکبرخان شهنازی، عبدالحسین شهنازی و اسماعیل خان قهرمانی به تکمیل این هنر پرداخت. محمد علی شهابی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی اولین کلاس موسیقی را در مشهد دایر کرد. از معروف ترین شاگردان محمد علی شهابی؛ شاعر بزرگ ایران: ایرج میرزا است که تار را نزد او آموخت. محمد علی شهابی، پدر، هنرمند گرانقدر، هوشنگ شهابی است.

شهابی، هوشنگ [Husang Šahābi]: آهنگساز قدیمی و فعال سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی که از نمونه کارهای او میتوان به ساختن موزیک متن فیلم: مروارید سیاه ساخته مهدی رئیس فیروز در سال ۱۳۳۹ خورشیدی که در آن علی محزون، ایران و اکبر خواجهوی بازی می کردند، اشاره داشت.

هوشنگ شهابی در کنار حرفه آهنگسازی به ترانه سرایی نیز اشتغال داشته و ترانه های: یاد جوانی با صدای پوران و نوای چوپان با اجرای منوچهر همایون پور، از نمونه سروده های این هنرمند گرانقدر است. آهنگ زیبای: دریا بی انتهاست، با صدای بهرام سیر از کارهای ماندگار این هنرمند است.

شهبازیان، حسین [Hoseyn Šahbāzyān]: حسین شهبازیان در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. از ۱۷ سالگی، فراگیری ویلن را در کلاس استاد ضیاء سیحون شروع نمود. او با راهنمایی زنده یاد مهدی خالیدی، در کلاس زنده یاد استاد ابوالحسن صبا به تکمیل هنر خود پرداخت. حسین شهبازیان، سالها، بعنوان نوازنده و رهبر ارکستر شماره ۳ رادیو ایران فعالیت داشت.

شهبازیان، فریدون [Fereydun Šahbāzyān]: فریدون شهبازیان در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. از هفت سالگی بنا به تشویق پدرش با موسیقی آشنا شده و در هنرستان عالی موسیقی به تحصیل مشغول شد. اولین معلم او استاد عطااله خادم میثاق بود. شهبازیان، پس از گذراندن دوره ابتدائی در هنرستان عالی موسیقی به دبیرستان ادیب رفت. همزمان با تحصیل در دبیرستان، تحت نظر لوئیچی پاساناری که کنسرت مایستر ارکستر سنفونیک تهران بود، ویلن را آموخت. فریدون شهبازیان در ۱۷ سالگی به عضویت ارکستر سنفونیک تهران، تحت رهبری استاد حشمت سنجری درآمد. در سال ۱۳۴۵ با تشکیل گُر و ارکستر سنفونیک رادیو، به رهبری آن انتخاب شد. این هنرمند، مبتکر، نوارهای صدای شاعر است. فریدون شهبازیان در زمینه ساخت موزیک متن فیلم، یکی از پُرکاران این رشته میباشد. در زیر به چند فیلم که در موزیک آنها توسط این هنرمند ساخته شده است، اشاره میشود.

داد شاه؛ ساخته حبیب کاوش (۱۳۶۲)

آن سفر کرده؛ ساخته احمد نیک آذر (۱۳۶۳)

آوار؛ ساخته سیروس الوند (۱۳۶۴)

زنجیرهای ابریشمی؛ ساخته حسنی کاریخش (۱۳۶۵)

حماسه شیر؛ ساخته احمد حسن مقدم (۱۳۶۵)

شهبازی، ایرج [Iraj Šahbāzi]: نوازنده چیره دست جاز در زمان پیش از انقلاب و جزو اولین هنرمندانی که با تلویزیون ملی ایران همکاری داشت.

شهبازی، پرویز [Parviz Šahbāzi]: نوازنده زیر دست کلارینت و از همکاران تلویزیون ملی ایران در زمان پیش از انقلاب.

پرویز شهبازی در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۲۸ به هنرستان عالی موسیقی رفت. در آن زمان ریاست هنرستان با هنرمندان گرانقدر؛ روبیک گریگوریان و بهاءالدین بامشاد بود. او ساز قره‌نی (کلارینت) را انتخاب نمود و زیر نظر آقای «ویدر» به تمرین و فراگیری آن پرداخت. پرویز شهبازی در سال ۱۳۴۰ به رادیو دعوت شد و همکاری خود را با فریدون فرزانه سرپرست ارکستر رادیو آغاز نمود. شکوفه های بهاری و قصر امواج از آهنگهای معروف آن سالهاست که توسط این هنرمند ساخته شده است.

شهر [Šahpar]: خواننده کوچه و بازار و از همکاران نزدیک رشید مرادی که از او ترانه های: تاکسی جون، من شهرم، حمومی آی حمومی، مادر جون، لب دریا، اسمال یه کتی و غزل آواز او در دسترس مییاشد.

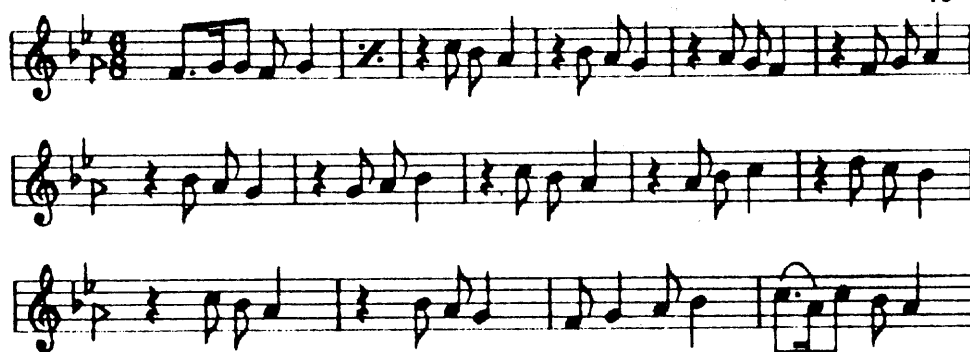
شهر، غلامعلی [Golām-Ali Šahpar]: زنده یاد غلامعلی شهر، از استاد های قدیمی موسیقی که سالها در آبادان و اصفهان کلاس موسیقی داشته و شغل اصلی او پاسبان اداره غله و نان بوده است. غلامعلی شهر، خواننده و نوازنده زبردست ویلن، سالها در تهران، سه راه شکوفه زندگی می کرد. غلامعلی شهر در سن ۹۲ سالگی به سال ۱۳۶۰ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

شه تار [Šah Tār]: محفف شاه تار و هم چنین به نخستین سیم بم ساز که ضخیم تر و پُرطنین تر است گفته میشود.

شهر آشوب [Šahr-āsub]: رنگی قدیمی که در دستگاه های؛ شور، ماهور، همایون، راست پنجگانه و چهارگاه اجرا میشود.

تصویر در صفحه بعد

شهر آشوب



شهر آشوب [Šahr-Āsub]: محمود ثنائی، متخلص به شهر آشوب. از ترانه سرایان مشهور معاصر است که در زیر به برخی از ترانه هایش اشاره میشود: خواب و خیال با آهنگی از مرتضی محجوبی. نرمک نرمک با صدای ملوک ضربابی و آهنگ از عبدالله جهان پناه. ساز شکسته با صدای دلکش. راز هستی با صدای منوچهر همایون پور که در سال ۱۳۳۸ خورشیدی اجرا شد.

شهرابی، شهرام [Šahrām Šahrābi]: آهنگساز و تنظیم کننده آهنگ که با هنرمندان ساکن لس آنجلس همکاری نزدیکی دارد.

شهر بانو [Šahr-bānu]: از آهنگهای ضربی در موسیقی کاشمر خراسان.

شهر بانی، [Šahr-bāni]: گروه موسیقی سنتی به خوانندگی صمد پیوند و همکاری مجید راه دوست. این گروه در حال حاضر از فعالیت خوبی برخوردار است.

شهر، تاتر [Teātre Šahr]: در محل مصفای پارک شهرداری واقع در خیابان پهلوی، تقاطع شاهرضا، محلی برای اجرای نمایش و کنسرت بوده و هست.

شهرت شیرازی [Šohrat Širāzi]: حکیم الممالک شیخ حسین طبیب شیرازی، از پزشکان و شاعران ایرانی است که به هند رفت و به شغل پزشکی دربار سرگرم شد. این پزشک و شاعر بزرگ در سال ۱۱۴۹ در شاه جهان آباد چشم از جهان فرو بست. دیوان غزلها و مخمس های او به شماره Bruix 61-Supp 758 در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود.

شهردار، حبیب‌اله (مشیرهمایون) [Habib-olláh Šahrdār]: حبیب‌اله شهردار در سال ۱۲۶۵ خورشیدی بدنیا آمد، او فرزند نصراله خان سپهسالاری است که در زمان ناصرالدین شاه، رئیس خزانه نظام بود. خانه پدر شهردار، محل رفت و آمد استاد‌های آن زمان، نظیر: آقای حسین قلی، میرزا عبدالله، نایب اسداله و سالار معزز بود. حبیب اولین بار با پیانوئی که پدرش خریداری کرده بود شروع به نواختن این ساز نمود. اولین معلم او سرهنگ آقا بزرگ خان، صاحب منصب موزیک قزاق خانه بود. معلم دیگر او؛ محمد صادق خان، نوازنده چیره دست سنتور بود. دیری نگذشت که محمد صادق خان، فلج گشت و مشیر همایون، نزد آقا حسین قلی، استاد تار رفت. مشیرهمایون در سن ۱۸ سالگی، پدرش را از دست داد. شهردار بنا به دعوت کمپانی هیز ماسترز وُیس به لندن رفت و صفحاتی را آنجا ضبط نمود که تعدادی از آنها بر اثر بمباران هوایی از بین رفت و قالب صفحه‌ها نابود شد. بار دوم کمپانی کلمبیا از او صفحاتی ضبط نمود که باقی مانده است.

شهردار، علاوه بر نواختن ساز، ذوق ادبی هم داشته است. این هنرمند گرانقدر در سال ۱۳۴۸ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

شهردار، سیروس [Sirus Šahrdār]: مهندس سیروس شهردار، فرزند هنرمند گرانقدر ایران، مشیر همایون شهردار، در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او در سال ۱۳۱۶ تحت نظر استاد جواد معروفی به فراگیری ساز پیانو پرداخت. سپس، جهت فراگیری تئوری موسیقی و سلفژ و هارمونی به شاگردی پرویز محمود درآمد.

مهندس سیروس شهردار در سال ۱۳۲۸ به هنرستان عالی موسیقی رفت و کار تدریس به هنرجویان را پذیرفت. در سال ۱۳۳۴ بنا به دعوت رادیو با سمت‌های: پیانیست، تنظیم‌کننده، آهنگساز و رهبر ارکستر و نویسنده برنامه‌های تفسیر موسیقی، همکاری خود را با این سازمان آغاز کرد. مهندس سیروس شهردار، دارای مدرک فوق لیسانس مهندسی در رشته شیمی و هم‌چنین لیسانس موسیقی و آهنگسازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است.

شهردار، فریده [Faride Šahrdār]: نوازنده و معلم تعلیم پیانو و همسر استاد سیروس شهردار است. فریده شهردار دختر مُعز دیوان فکری، استاد تاتر ایران است.

شهرداری، تماشاخانه [Tamašāxāneye Šahrdāri]: مکانی که در ۱۳۰۸ در رشت ساخته و برای افتتاح آن، استاد علی نقی وزیری باشاگردانش از طرف شهرداری رشت دعوت شده تا مراسم افتتاحیه را انجام دهند.

شهرزاد، تاتر [Teàtre Šahrzād]: واقع در کوچه ملی لاله زار که اسم اوّل آن تاتر هنر بود. مدیریت این تاتر با آقای صافی بود و هنرمند گرانقدر ایران عزت اله انتظامی در آنجا پیش پرده می خواند. تغییر نام این تاتر از هنر به شهرزاد زمانی بود که مهرتاش آنرا از صافی خریداری کرد. این تاتر پُر رونق سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ محلی بود برای هنرنمایی هنرمندان موسیقی.

شهرزاد، رضا [Rezā Šahrzād]: از ترانه سرایان قدیمی و همدوره با استاد رضا محجوبی، ارسلان درگاهی و قمرالملوک وزیری، که با این هنرمندان بزرگ همکاری نزدیکی داشت. رضا شهرزاد در درام نویسی از مهارت بسزائی برخوردار بود.

شهرزاد، شرکت [Šerkat Šahrzād]: شرکت ضبط و پخش صفحه های موسیقی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۵ خورشیدی در تهران.

شهرزاد، کمپانی [Kompāniye Šahrzād]: کمپانی صفحه پُرکنی سالهای پیش و بعد از ۱۳۲۸ در تهران.

شهرستانی، حسن [Hasan Šahrestāni]: حسن شهرستانی معروف به حسن خشتک از خراباتی خوانان معروف تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۵۰ خورشیدی است.

شهرستانی، شکوه [Škuh Šahrestāni]: استاد سلفژ و نوازنده چیره دست پیانو و همسر حسین صبا، ویلونیسست معروف.

شهرکی، بابک [Bābak Šahraki]: بابک شهرکی هنرمند جوان در سال ۱۳۵۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه اش را در دبیرستان خوارزمی به پایان رسانید. او از سن هشت سالگی به فراگیری موسیقی پرداخت، معلم او، استاد مهندس همایون خرم بود که ۹ سال، نزد ایشان به آموختن و نواختن ویلن مشغول بود این هنرمند جوان، تمامی ردیف های استاد ابوالحسن صبا و مهندس همایون خرم را به پایان رسانیده و یک آلبوم بنام «مهرگان» در ۶ قسمت برای ارکستر نوشته است که سه قسمت آن در دشتی و سه قسمت دیگر در اصفهان و شوشتری است.

شهرکی، فضل اله [Fazl-olláh Šahraki]: نوازنده چیره دست تنبک و پدر هنرمند جوان بابک شهرکی، نوازنده و آهنگساز جوان ساکن تهران است.

شهرود [Šahrud]: مخفف شاه رود. به تار زیر در آلات زهی گفته میشود. شهرود نام آلت موسیقی قدیم منسوب به ابو حفص سغدی است. این ساز دارای ده تار بوده که دو بدو کوک میشده است. وسعت صدای این ساز ۳ اکتاو بوده است.

شهره (شهره صولتی) [Šohre]: خواننده خوش صدا که فعالیت خود را در دهه ۱۳۴۰ آغاز نمود. آغاز فعالیت او همزمان با لیلا فروهر و نوش آفرین بود. اولین بار تصویر و آواز شهره در تلویزیون با نام دختر شرقی دیده و شنیده شد. شهره از پُرکارترین خوانندگان ایران است که سالهاست می خواند. او پس از انقلاب به آمریکا مهاجرت نمود و در لس آنجلس ساکن است. در سالهای اخیر دهها آلبوم از این هنرمند تولید و پخش شده است. در زیر به برخی از آلبومهای او اشاره میشود: سلام، شیطونک، میکس شهره، صدای پا، جان جان، شنیدم، سایه شما، زن، قصه گو و چند آلبوم دیگر.

شهریار [Šahryār]: از خوانندگان موج نو در ایران که کار خوانندگی را در دهه چهل شروع نمود و در آن زمان همراه با دیگر خوانندگان چون: افشین مقدم، سلی، ابی لیتلرز و فرهاد آلبوم هائی روانه بازار نمود. از ترانه های آن زمان که توسط این هنرمند اجرا شده میتوان به: خونه خورشید اشاره داشت. شهریار در لس آنجلس همراه با چند خواننده، آلبومی بنام پرنده ها دارد که در آن؛ ترانه لحظه وداع را اجرا نموده است.

شهریار، محمد حسین [Mohammad Hoseyn Šahryār]: زنده یاد میر محمد حسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار در سال ۱۲۵۸ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد. او در سال ۱۳۰۰ به تهران آمد و به دارالفنون رفت. شهریار در سال ۱۳۱۰ به خدمت دولت درآمد و در اداره ثبت اسناد نیشابور و مشهد، و در شهرداری تهران به عنوان بازرس بهداشتی و بالاخره در بانک کشاورزی بکار ادامه داد. شهریار در سال ۱۳۳۲ خورشیدی به تبریز رفت و با حقوق بازنشستگی بانک کشاورزی به سختی امرار معاش می کرد تا اینکه در سال ۱۳۴۶ در مراسم تجلیل از او که در دانشگاه تبریز برپا شد، او را یکی از پاسداران شعر و ادب میهن خواندند و بنا به پیشنهاد دکتر هوشنگ انتصاری به او عنوان افتخاری استاد دانشکده ادبیات، دانشگاه تبریز را دادند. روز ۲۶ اسفند ماه در تاریخ فرهنگ آذربایجان، روز شهریار نامیده شده است. نخستین منظومه شهریار: روح پروانه نام دارد، که در مرگ نابهنگام پروانه خواننده بسیار معروف آن زمان

سروده شده است. منظومه: «دو مرغ بهشتی» نیز از شاهکارهای شهریار است.
منظومه حیدر بابا یه سلام، از آثار جاویدان شهریار است که به ترکی سروده شده است.

شهریاری، حسین علی [Hoseyn Ali Šahryāri]: میرزا حسین علی شهریاری، موسیقی شناس و خواننده تعزیه در زمان قاجاریه است.

شهریاری، رحیم [Rahim Šahryāri]: نوازنده چیره دست آکوردئون که در آمریکا فعالیت دارد. از کارهای او میتوان به آلبوم: گالمادین Galmadin اشاره داشت.

شهریاری، سعید [Sawid Šahryāri]: خواننده و آهنگسازی که تنها از او یک ترانه بنام: یه دختر دارم شاه نداره در دسترس میباشد. این ترانه توسط حسن شماعی زاده نیز اجرا شده است. سعید شهریاری مقیم آمریکاست.

شهری، اسداله [Asad-ollāh Šahri]: نوازنده زیر دست سه تار که در گرگان فعالیت دارد.

شه ستا، شهرام [Šahrām Šah-Setā]: مهندس شهرام شه ستا در ۱۴ مهرماه ۱۳۴۰ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در سال ۱۹۸۴ به آمریکا عزیمت نمود و در رشته مهندسی ضبط صدا از دانشگاه U.C.L.A فارغ التحصیل گشت. مهندس شه ستا، ۱۱ سال است که با رادیو ایران KRSI لس آنجلس همکاری مستمر دارد.

شهسوار چارتاری [Šahsavāre Čārtāri]: از نوازندگان مشهور دوره صفویه.

شه میری، امین [Amin Šahmiri]: از نویسندگان مشهور مجله «ماهنامه موزیک ایران»، در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۵ خورشیدی.

شهناز [Šahnāz]: از آوازهای شش گانه، موسیقی مقامی گذشته ایران (نوروز، سلمک، مایه، گردانیه، شهناز و گوشت)، که عامل اصلی آن زیر افکند بوده است. شهناز مورد توجه موسیقیدانهای عرب قرار گرفته و امروز یکی از مقامات پنجاه و دوگانه معمول در مصر، سوریه و لبنان است که نام ایرانی دارد.

شهناز



شهناز بوسلیک [Šahnáz Busalik]: نام یکی از اصطلاحات ۹۷ گانه موسیقی ایرانی که در موسیقی عرب وجود دارد.

شهناز، جلیل [Jalil Šahnáz]: استاد جلیل شهناز در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. او، موسیقی را نزد برادرش، علی شهناز آموخت. جلیل شهناز، پس از چندی به تهران آمد و به رادیو راه یافت و در ارکسترهای مختلف سازمان رادیو شرکت جست. او از بهترین سولیست های برنامه گلهای رادیو ایران بود. ساز تخصص این هنرمند بزرگ، تار است ولی او در نواختن ویلن، سنتور و ضرب نیز استاد می باشد.

شهناز، حسین [Hoseyn Šahnáz]: نوازنده چیره دست تار در اصفهان و معلم و برادر بزرگ استاد جلیل شهناز.

شهناز، شعبان [Šawbān Šahnáz]: نوازنده چیره دست تار و پدر استاد جلیل شهناز.

شهناز، علی [Ali Šahnáz]: زنده یاد علی خان شهناز، نوازنده چیره دست تار و از خاندان هنرمند شهناز بودند.

شهناز کُت [Šahnáz Kot]: نغمه ای در شهناز که تنها با ساز اجرا میشود و شعری در آن خوانده نمی شود.

شهناز کردی [Šahnāze Kordi]: نام یکی از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی است که از دیر باز در موسیقی عرب رواج یافته است.

شهناز، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Šahnáz]: گروه موسیقی شهناز به سرپرستی استاد جلیل شهناز و با همکاری، اصغر بهاری، زنده یاد امیر ناصر افتتاح، بهزاد فروهری و محمد رضا شجریان در سال ۱۳۵۳ خورشیدی.

شهنازی، عبدالحسین [Abdol-Hoseyn Šahnāzi]: عبدالحسین، سومین فرزند آقا حسین قلی، موسیقی را نزد برادر بزرگ خود استاد علی اکبر شهنازی آموخت. او از بدو تأسیس رادیو جزو اولین گروه نوازندگان بود و همکاری خود را با استاد ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، حسین تهرانی، حبیب سماعی و مرتضی نی داود آغاز کرد و با خوانندگان مشهور آن زمان چون: تاج اصفهانی، ادیب خوانساری و جواد بدیع زاده به نوازندگی پرداخت. ساز تخصصی زنده یاد عبدالحسین شهنازی، تار بود و این هنرمند گرانقدر در سال ۱۳۲۷ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

شهنازی، عزیز [Azizi Šahnāzi]: از عاشیق های مشهور قره داغ آذربایجان است.

شهنازی، علی اکبر [Ali-Akbar Šahnāzi]: استاد حاج علی اکبر شهنازی فرزند برومند آقامیرزا حسین قلی که کلیه ردیف های مرحوم پدر را به سفارش وزارت فرهنگ و هنر روی نوار ضبط کرد، در سال ۱۲۷۶ خورشیدی در تهران خیابان ایران، کوچه نصیر حضور بدنیا آمد. پدر بزرگش، استاد علی اکبر فراهانی از نوازندگان بنام دوران قاجاریه بود و عمویش آقا میرزا عبدالله، پدر موسیقی سنتی ایران است. استاد علی اکبر شهنازی از سن ۵ سالگی، زیر نظر پدرش نواختن تار را آغاز کرد و مدت ۶ سال ردیف های موسیقی را از او آموخت. او در ۱۴ سالگی کلاس موسیقی پدرش را اداره می کرد. استاد شهنازی نغمات و آهنگ های فراوانی ساخت که از جمله بهترین پیش درآمدها محسوب میشوند، نظیر: پیش درآمد شور به وزن $\frac{2}{4}$ در لا که متأسفانه چون امکان ضبط آن نبود، از بین رفت. استاد علی اکبر شهنازی در سال ۱۳۶۲ در سن ۸۶ سالگی چشم از جهان فرو بستند.

شهنای [Šahnāy]: از آلات موسیقی بادی ایرانیان که در معابد و مراسم بصدا در می آورده اند.

شهنیا [Šahnīyā]: از نوازندگان ارکستر رادیو ایران در سال ۱۳۴۰ خورشیدی به سرپرستی فریدون فرزانه.

شهید [Šahyād]: آهنگساز، نوازنده و خواننده جوانی است که در لس آنجلس فعالیت دارد. شهید

دارای تحصیلات آکادمیک در موسیقی می باشد. آلبوم این هنرمند «بنام تو» در دسترس می باشد. شهید از نوجوانی با نواختن پیانو پا به عالم موسیقی گذاشت. در ۱۴ سالگی به اروپا رفت و دو سال و نیم در رشته موزیک تحصیل نمود. در ۱۶ سالگی به روی صحنه رفته و خوانده است.

شهید بلخی [Šahid Balxi]: ابوالحسن شهید بلخی، شاعر بزرگ، مورد احترام و اعتقاد رودکی بوده است. چنانچه در مرگ او به سال ۳۲۵ هجری، رودکی گفته است:

از شمار دو چشم یک تن کم وز شمار خرد هزاران بیش
غزلهای شهید بلخی بسیار معروف است و این شاعر را هم ردیف و همانند رودکی میدانند.

شهیدی، افسر [Afsare Šahidi]: از خوانندگان مشهور پیش از انقلاب که همچنان به فعالیت خود ادامه میدهد. از افسر شهیدی ترانه های ماندگاری چون: جدائی (شهر غریب)، التماس، قبیله، هستی، دشتستانی، یارکار زرونی و بخانه برگرد در دسترس می باشد.

شهیدی، عبدالوهاب [Abd-ol-Vahab Šahidi]: استاد عبدالوهاب شهیدی در سال ۱۳۰۱ خورشیدی در بخش میمه اصفهان بدنیا آمد. او در سال ۱۳۱۸ به خدمت آموزش و پرورش با سمت آموزگار درآمد. در سال ۱۳۲۰ به سربازی میرود و پس از پایان خدمت سربازی به عنوان افزارمند به استخدام ارتش در می آید.

استاد شهیدی، کار هنری را در سال ۱۳۲۲ در گروهی بنام: هنردوستان، آغاز نمود. او فراگرفتن سنتور و عود و آواز را تحت نظر استاد اسماعیل مهردادش آموخت. عبدالوهاب شهیدی در سال ۱۳۳۹ در رادیو ایران با برنامه گلها فعالیت خود را شروع نمود و تا سال ۱۳۵۷ در این برنامه شرکت جست. از زیباترین ترانه هایی که او اجرا کرده: آن نگاه گرم تو می باشد که شعر آن از خانم هما میرافشار و تنظیم آن از استاد فرامرز پایور است.

شهین (مهین تاج مغول کیسر) [Šahin]: خواننده و هنرپیشه معروف و قدیمی سینمای ایران که کار هنری خود را با خوانندگی شروع کرد و خیلی سریع در سینمای ایران از پله های شهرت بالا رفت. شهین کار بازیگری را با فیلم گناهکار ساخته مهدی گرامی در سال ۱۳۳۲ خورشیدی شروع کرد. او همان سال در فیلم ساموئل خاچیکیان بنام: بازگشت در کنار آرمان و عزت اله و ثوق به ایفای نقش پرداخت. شهین در دهه ۱۳۳۰ از پُرکارترین هنرمندان سینمای ایران بود.

شهین مجموعاً در زمان فعالیت خود، در بیش از ۵۶ فیلم بازی کرده است.

شیبانی [Šeybāni]: ابونصر فتح‌اله خان شیبانی در سال ۱۲۴۱ هجری در کاشان بدنیا آمد. در اشعار این شاعر گرانقدر یک نوع لحن اعتراض مشهود است. شیبانی پس از سالها مرارت در سال ۱۳۰۸ هجری پس از ۶۷ سال عمر، چشم از جهان فرو بست. از این شاعر قصاید، غزلیات و قطعات بسیاری در کتبی بنام: درج درد، گنج گهر، مسعودنامه، کامرانیه، یوسفیه و... بجا مانده است.

شیبانی، جمشید [Jamšid Šeybāni]: استاد جمشید شیبانی، نویسنده، کارگردان، تهیه کننده، بازیگر، آهنگساز، ترانه سرا و خواننده مشهور ایران در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. وی از فارغ التحصیلان اولین دوره هنرستان هنرپیشگی تهران در سال ۱۳۱۸ می‌باشد. حرفه بازیگری و پیش پرده خوانی را از سال ۱۳۱۷ در تئاتر تهران شروع کرد. همکاری جمشید شیبانی با رادیو از اواخر سال ۱۳۱۹ آغاز گردید. او بعدها جهت تحصیل به آمریکا رفت و در رشته؛ تعلیم و تربیت و سینما در سال ۱۳۳۰ فارغ التحصیل گشت. او سالها در آمریکا، خبرنگار سینمایی بوده و چند فیلم از جمله: *Revolt* را ساخت. او اولین شاگرد ایرانی کالج سانتامونیکا و جزو اولین شاگردان ایرانی *UCLA* در رشته سینما بود. همکاری او سالها با مجله تهران مصور ادامه داشت. استاد شیبانی در مراجعت به ایران از سال ۱۳۳۲ بعنوان خواننده همکاری مجدد خود را با رادیو ایران آغاز نمود، و در این زمان به فیلمسازی روی آورد و رسماً از سال ۱۳۳۴ به عنوان کارگردان، نویسنده و تهیه کننده و بازیگر وارد عالم سینما شد. در کارنامه هنری این هنرمند گرانقدر، ۴۲ فیلم سینمایی بعنوان کارگردان، تهیه کننده و فیلم نامه نویس و بازیگر وجود دارد. *موزیک متن فیلم "زن ایده آل"* با شرکت کاری گرانت و دهورا کار از ساخته های ایشان است. استاد شیبانی نوه، موسیقیدان بزرگ ایران میرزا عبدالله و فرزند حاجیه ملوک خانم، دختر میرزا عبدالله و استاد سه تار احمد عبادی و ابوالحسن صبا می‌باشد. او در حال حاضر ساکن لس آنجلس است. استاد شیبانی، همچنان فعال، به کار ساختن آهنگ و سرودن ترانه برای هنرمندان ساکن جنوب کالیفرنیا اشتغال دارند.

اولین پیش پرده ای که جمشید شیبانی خواند، کارمند دون اشل بود که موفقیت بی نظیری نصیب او کرد. آهنگ این تصنیف از زنده یاد حسن رادمرد است و در سال ۱۳۲۴ اجرا گردید.

مهمترین ترانه‌ای که وسیله جمشید شیبانی اجرا شد و سر آن در مجلس شورای ملی بحث در گرفت ترانه‌ای بود که روی آهنگ معروف کرای شیم بابا ساخته شده بود و با فشار مجلس روی تاتر تهران، جلوی اجرای این ترانه گرفته شد. از استاد شیبانی ترانه های جاویدانی به جا مانده است نظیر: سمین بری (نامهربان) با شعری از ابراهیم صفائی، اگر که زن ذلیل ملت شود، تا به تو افتدم نظر، پسر، گل فروش، کاروان و آهنگ های زیبایی که توسط ایشان برای معین ساخته شده است؛ نظیر: دل بلا، شاه دختر، دل دلم

میخواد باصفهان برگردم و آهنگ و ترانه های بسیار برای دیگر خوانندگان. استاد جمشید شبیانی از سال ۱۳۱۹ خورشیدی که شروع به خواندن ترانه هائی با ضرب های خارجی نمود، در واقع نوعی نوآوری را وارد موسیقی ایران نمود که تا به امروز ادامه دارد. او، برای اولین بار در ارکستر وزارت فرهنگ و هنر با شرکت عماد رام و محمد حیدری، لب خوانی را متداول ساخت. در زمینه هنر سینما، از این هنرمند شایسته، شاگردان بسیاری بکار اشتغال دارند، از آن جمله: رضا بدیعی، کارگردان مشهور و پُرآوازه ایرانی در آمریکا است و هنرمندانی چون؛ رامش، فتانه، فائزه، احمد آزاد و بهرام فروهر توسط این هنرمند به جامعه هنری معرفی شده اند.

شبیانی، علی [Ali Šeybāni]: آهنگساز، ترانه سرا و خواننده ساکن لس آنجلس که از او آلبوم: جا تو خالی کردم در دسترس میباشد. علی شبیانی برای برخی از خوانندگان ساکن لس آنجلس ترانه سروده و آهنگ میسازد.

شبیانی، علیرضا [Ali-Reza Šeybāni]: نوازنده زبردست فاگوت که در تهران فعالیت دارد.

شبیانی، عنایت [Enāyat Šeybāni]: این هنرمند را نبایستی با عنایت‌اله شبیانی اشتباه گرفت. عنایت شبیانی، در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در تربت حیدریه بدنیا آمد. او در نوجوانی به کلاس علی اکبر خان شهنازی رفت و زیر نظر محمد بحرینی پور به فراگیری علم موسیقی پرداخت. در سال ۱۳۳۷ به هنرستان آزاد موسیقی ملی رفت و در کلاس آواز، استاد عبدالله دوامی ثبت نام نمود. در ۱۴ سالگی به جامعه باربد رفت و تحت نظر استاد اسماعیل مهرتاش، دستگاه‌ها و گوشه های آواز ایرانی را فراگرفت. پذیرفته نشدن او در تلویزیون، اثری منفی در زندگی و هنر این خواننده بجا گذاشت و او را گوشه گیر کرد.

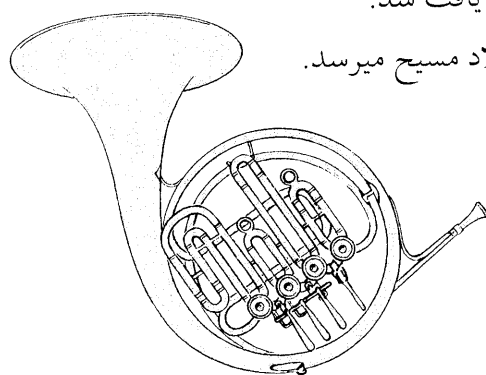
شبیانی، عنایت‌اله [Enāyat-ollāh Šeybāni]: زنده یاد شبیانی پدر هنرمند گرانقدر، جمشید شبیانی، از مؤسسين هنر تاتر و نمایش در ایران است که علاوه بر تنظیم و تدوین نمایشنامه ها و اجرای آنها، در موسیقی و اجرای تصنیف نیز نقشی مؤثر و سازنده داشته است. عنایت‌اله شبیانی در سال ۱۲۷۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. خانه آنها در خیابان شاه آباد ظهیرالاسلام بود. در ۱۹ سالگی، با خریدن بلیطی در لاتاری، برنده یک تار شد و این تار سیر زندگی او را عوض کرد. عنایت‌اله خان در کنار بزرگانی چون ملک الشعراء بهار، درویش خان، آقا حسین قلی و هم چنین عموی هنرمندش؛ محاسب الوزاره (شاگرد درویش خان) به تمرین تار در خفا پرداخت. عنایت‌اله خان شبیانی بیشترین فعالیت خود را در هنر تاتر متمرکز ساخت. همسر او، ملوک عبادی، دختر کوچک استاد میرزا عبدالله، پدر موسیقی سنتی

ایران بود. لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به عبادی، ملوک نگاه کنید.
عنایت اله خان شیبانی، دارای لقب «شکوه الممالک» از جانب احمد شاه قاجار است. عنایت اله خان شیبانی، در بیش از ۱۵۰ نمایشنامه ایفای نقش کرده است.

شیپور [Şeypur]: از آلات موسیقی بادی و رزمی. شیپور به ظاهر از لفظ عبری شبور Chabur گرفته شده که به معنای نامی رومی یا نای روئین است. زنده یاد تقی زاده عقیده دارد: شیپور از آرامی و سریانی گرفته شده است. در فرهنگ آلات موسیقی ساکس می خوانید که در زبان ارمنی به این ساز میگویند: Shephor و عبری آن سوفار Sofar است. براساس نوشته های بالا، شیپور سازی است بادی که از گُرنا ی کوچکتر بوده و جنس آن از فلز است و تفاوت آن با نفیر و گُرنا و سایر سازهای بادی - رزمی در خمیدگی و یا حتی مدور بودن استوانه آن است.

در موزه بریتانیا، نقش نوازنده شیپور، در بشقاب سیمین عهد ساسانی وجود دارد و هم چنین در موزه تخت جمشید، شیپوری به طول ۱۲۰ سانتی متر و قطر دهانه ۵۰ سانتی متر در ۱۹۵۷ میلادی در آرامگاه اردشیر سوم هخامنشی در تخت جمشید یافت شد.

سابقه این شیپور به ۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح میرسد.



شیخ امیری، دستگاه موسیقی [Dastgāhe Musiqiye Şeyx Amiri]: یکی از خاص ترین و رایج ترین دستگاه موسیقی اهل حق است که گام آن روی re متمرکز میشود (با سل در صدای بم) از تناوب پرده - نیم پرده بوجود می آید و بالاتر از لابل مل گسترش نمی یابد. این دستگاه بصورت مقدمه در جمع نواخته میشود. نام آن منسوب به شیخ امیر (متولد ۱۰۹۲ هجری، شمسی در قزوین) است. این دستگاه شامل ۱۲ ملودی است.

این دستگاه بیشتر در نواحی صحنه و نهاوند نواخته میشود.

شیخ امیری (روایت گورانی)، دستگاه موسیقی [Dastgāhe Musiqiye Şeyx Amiri]: این دستگاه موسیقی اهل حق هیچ وجه مشترکی با دستگاه شیخ امیری ندارد. این دستگاه بیشتر به کاکاردایی

نزدیک است. شیخ امیری به روایت گوردانی به نظر می آید، ساده شده کاکاردایی است.

شیخانه [Šeyxâne]: آواز سیاچمانه است که توسط صوفیان در اورامان و کرمانشاهان خوانده می شود.

شیخ بهاء [Šeyx Bahāw]: متخلص به شمس از شاعرهای مشهور کردستان.

شیخ بهائی عاملی [Šeyx Bahāwi Āmeli]: شیخ بهائی عاملی متخلص به بهائی و معروف به شیخ بهائی از شاعران معروف سده یازدهم هجری است. شیخ بهائی در سال ۹۵۳ هجری در بعلبک بدنیا آمد و در خُردسالی به ایران آمد. سال وفاتش را ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ نوشته اند. شیخ بهائی تألیفات بسیار زیادی دارد. او به زبان فارسی و عربی شعر می سرود. کلیات شعر فارسی او و خاصه مثنویهایش بارها به چاپ رسیده است. تمنای وصال، نام سروده ای است از شیخ بهائی که با آهنگی که استاد مهدی خالدی روی آن گذاشته اند، توسط خانم دلکش و عبدالحسین مخابرات اجرا شده است.

شیخ شیپور [Šeyx Šeypur]: دلقک زمان ناصرالدین شاه که آواز بیات گاو، منسوب به اوست.

شیخ حیدر [Šeyx Heydar]: نوازنده معروف چهار تار در زمان صفویه و از بانیان این دودمان در سده نهم هجری است. اختراع چهارتار رابه او نسبت میدهند.

شیخ کجج تبریزی [Šeyx Kejjaj Tabrizi]: خواجه محمد بن ابراهیم کججانی تبریزی متخلص به «کجج» از شعرای بزرگ سده هشتم آذربایجان است که در عهد سلطان اویس (۷۵۷ - ۷۷۷ هجری) و پسرش، جلال الدین حسین جلایر (۷۷۷ - ۷۸۴ هجری) میزیسته. از این شاعر دیوانی از انواع شعر با غزلهای خوب بجا مانده است. وفات این شاعر در سال ۷۷۸ هجری اتفاق افتاده است.

شیخی [Šeyxi]: آهنگی محلی در نواحی جنوبی ایران (ایران شهر) که برای مداوای بیماران روحی زده و اجرا می گردد.

شیخی، ادهم [Adham Šeyxi]: نوازنده چیره دست تار در جنت آباد جام - خراسان. شیوه ادهم

شیخی در نواختن دوتار، با سایر دوتار نوازان خراسانی تفاوت دارد و آن بدینگونه است که او از «پنجه برگردان» در مضرب های خود استفاده می کند.

شیدا [Šeydā]: خواننده ساکن لس آنجلس که با زوج هنری خود مجیدیان نوازنده چیره دست ویلن، از فعالیت خوبی برخوردار است.

شیدا، علی اکبر [Ali-Akbar Šeydā]: علی اکبر شیدا، فرزند شاه ولی در شهر شیراز بدنیا آمد. در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه با صاحب دیوان، والی آذربایجان به تبریز مسافرت کرد و از آن جا به تهران آمد و در تهران به سلک درویشان خانقاه صفی علی شاه پیوست و تا پایان عمر در همان خانقاه زیست. علی اکبر شیدا را باید پایه گذار اصلی تصنیف و ترانه به مفهوم امروزی بدانیم. او راه گشای عارف قزوینی در تصنیف سازی بود.

شیدا، علاوه بر سرودن شعر، دارای خطی شیرین و قلمی توانا بود. او از راه تعلیم خط، امرار معاش میکرد.

شیدا، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Šeydā]: گروه مشهور موسیقی سنتی و اصیل ایرانی که از هنرمندان زیر تشکیل شده است.

- ۱- عبدالنقی افشار نیا نی
- ۲- پشنگ کامکار سنتور
- ۳- بیژن کامکار رباب
- ۴- زیداله طلوعی تار
- ۵- اسماعیل صدقی آسا عود
- ۶- هادی منتظری کمانچه
- ۷- ارژنگ کامکار تنبک

سرپرستی این گروه با هنرمند گرانقدر ایرانی محمد رضا لطفی است.

شیدای اصفهانی [Šeydā Esfehāni]: از شعرای معاصر که در تصنیف سازی نیز مهارت بسزائی داشت. شیدای اصفهانی همدوره ملک الشعراء بهار است.

شیدای فتح پوری [Šeydāye Fath-puri]: شیدای فتح پوری از شاعران سده یازده هجری است که در یک خاندان ایرانی مهاجر بدنیا آمد. پدرش ساکن مشهد بود. او در زمان پادشاهی جلال الدین اکبر

(۹۶۳ - ۱۰۱۴ هجری) به هندوستان رفت. دیوان غزل هایش، ۱۲۰۰ بیت دارد و به شماره OR 2849 در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود.

شیرازی [Širāzi]: از بحور اصول در موسیقی قدیم منسوب به غلام ملک‌شاه. وزنی که برای قشون و نقاره‌چی‌ها، با نوزده ضرب، ده ضرب سنگین و نه ضرب سبک ساخته شده بود.

شیرازی، ابوالقاسم [Abol-gāsem Širāzi]: مهندس ابوالقاسم شیرازی در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در اراک بدنیا آمد. در نوجوانی به تهران آمد و لیسانس خود را در رشته ماشین‌ابزار و ساخت ادوات سنگین دریافت کرد. مهندس شیرازی در کنار حرفه مهندسی خود از صنعتگران سازهای موسیقی، خصوصاً سیتار میباشند.

شیرازی، ارز [Arz Širāzi]: نوازنده زبردست پرکاشن در لس آنجلس.

شیرازی، اعتماد [Ewtemād Širāzi]: از تعزیه خوانهای مشهور عهد قاجاریه.

شیرازی، الهام [Elhām Širāzi]: ترانه سرای ساکن آمریکا که با سامان همکاری دارد.

شیرازی، داود [Dāvud Širāzi]: نوازنده چیره دست تار در عهد قاجاریه است. این هنرمند، همدوره درویش خان بود.

شیرازی، رضاالدین [Rezā-eddin Širāzi]: مخترع شش تار و از نوازندگان و موسیقیدانهای مشهور عصر صفویه است.

شیرازی، زیبا [Zibā Širāzi]: خواننده و نوازنده گیتار در لس آنجلس.

شیرازی، شکراله [Šokr-ollāh Širāzi]: خواننده و نوازنده زبردست سه تار در عهد قاجار که در شیراز زندگی می کرده است.

شیرازی، غلامرضا [Dolām-Rezā Širāzi]: از نوازندگان مشهور تار در اواخر دوره قاجاریه است.

او ابتداء در شیراز نوازندگی میکرد، سپس به تهران آمد و نزد آقا حسین قلی هنر خود را تکمیل نمود. سبک نوازندگی او، با پیروی از روش آقا حسین قلی است.

شیرازی، فرصت الدوله [Forsat-ollāh Širāzi]: فرصت الدوله شیرازی در سال ۱۲۷۱ قمری بدنیا آمد. او مردی ادیب و هنرمندی بزرگ بود که در فنون مختلف از جمله نقاشی دستی توانا داشت. نامش، سید میرزا محمد نصیرالحسینی شیرازی و لقبش؛ فرصت الدوله بود، و چون شعر می سرود، تخلص او فرصت است.

کتاب مشهور بحورالاحان در موسیقی از نوشته های این ادیب بزرگ است. او در این کتاب با پیروی از قدیمی ها نظیر: عبدالقادر مراغه ای و صفی الدین، پایه موسیقی ایران را براساس ۱۲ مقام و ۶ آوازالحاقی ذکر می کند، او پس از آشنائی با هنرمندان موسیقی در می یابد که تقسیمات قدیم متروک شده و یا برخی از آنها بکلی از بین رفته است. لذا بدنبال تقسیمات جدید موسیقی با منتظم الحکما، شاگرد میرزا عبدالله آشنا شده و با کمک او کتاب بحورالاحان را انتشار میدهد. فرصت در این کتاب، اسامی هفت دستگاه موسیقی ایرانی را بدین ترتیب ذکر می کند: راست و پنجگاه، چهارگاه، سه گاه، همایون، نوا، ماهور و شور.

شیرازی، قطب الدین [Gotb-eddin Širāzi]: قطب الدین محمود بن مصلح شیرازی در سال ۶۳۴ هجری در شیراز بدنیا آمد. او در ابتدایه طب پرداخت. در جوانی از اصفهان به بغداد و سپس به روم رفت و مولانا جلال الدین را ملاقات کرد. حاکم روم، او را پذیرفت و او را قاضی سیواس کرد. آخرین کتاب قطب الدین شیرازی: درة التاج لغرة الدباج نام دارد که در زبان فارسی از مهمترین گنجینه های جامع علوم است و از هر کتابی به شفای این سینا نزدیکتر است. باب چهارم این کتاب در باره اصول و قواعد موسیقی است. این کتاب تحت شماره ۷۶۹۴ در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود. قطب الدین شیرازی در سال ۷۱۰ هجری مطابق با ۱۳۱۱ میلادی در گذشته است.

شیرازی، محمدعلی [Mohammad Ali Širāzi]: از ترانه سرایان فعال که در تهران با خوانندگان پیش و پس از انقلاب همکاری نزدیکی دارد. از سروده های این ترانه سرا میتوان به: وقف پرنده ها با صدای قاسم افشار اشاره نمود.

شیرازی، محمود [Mahmud Širāzi]: از موسیقیدانهای بزرگ ایران که نامش در کنار فارابی، ابن سینا، صفی الدین ارموی و عبدالقادر مراغه ای می آید.

شیرازی، مظفر [Mozaffar Širāzi]: از ترانه سرایان قدیمی ایران که همکاری نزدیکی با زنده یاد پوران داشت. از این ترانه سرا، سروده «صبح شد باز» با آهنگی از استاد حبیب سماعی توسط پوران اجرا شده است.

شیرازی، مهدی [Mehdi Širāzi]: از شاگردان ممتاز استاد منصور یاحقی برادر بزرگ پرویز یاحقی است. اوج فعالیت مهدی شیرازی در سالهای پیش و بعد از ۱۳۴۰ خورشیدی بود. مهدی شیرازی جزو ترانه سرایان دوره سوم میباشد و از هنرمندان همدوره او میتوان به منصور صارمی، حسین ملک و حمید ارجمند اشاره نمود.

شیرخدا، عباس [Abbās Širxodā]: خواننده و نوازنده ضرب که در برنامه صبح رادیو ایران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۰ خورشیدی، آوازش را به گوش ورزشکاران میرساند.

شیرخدائی، محمد [Mohammad Širxodāwi]: نوازنده مشهور قره نی. محمد شیرخدائی در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در بازارچه سعادت تهران بدنیا آمد. در کودکی با خرید نی لبکی به بهای سی شاهی شروع به زدن این ساز می کند. پدرش که از نی لبک زدن او آگاه میشود پس از کتک مفصلی که به او میزند، ساز او را شکسته و می گوید: می خواهی مطرب بشوی؟ عشق به موسیقی، محمد را به خرید نی لبک دیگری وا میدارد. در کلاس سوم دبستان ثریا، او فلوت یاد میگیرد. محمد شیرخدائی، بعدها در شهریور ۱۳۲۰ در هنرستان عالی موسیقی ثبت نام می کند. او در سال ۱۳۲۴ سولیست رادیو میشود. پدر صدای ساز فرزندش را از رادیو می شنود و می گوید: بالاخره این بچه مطرب شد، و با او قهر میکند ولی پس از یکسال او را می بخشد. آرم برنامه گل های جاویدان از ساخته محمد شیرخدائی است که با قره نی نواخته شده است. او با اولین برنامه های گل های جاویدان که با همکاری: استاد بنان، حسین یاحقی، علی تجویدی، لطف اله مجد و حسین تهرانی اجرا میشد همکاری نموده است. محمد شیرخدائی، آهنگهای بسیاری ساخته که میتوان به برخی از آنها نظیر: مادر، صدای عشق و چرا نگفتی اشاره داشت.

شیرزادیان، کاووس [Kāvos Širzādyān]: نوازنده چیره دست تار در آمریکا و از همکاران نزدیک گلنوش خالقی در ارکستر روح اله خالقی.

کاووس نباتعلی شیرزادیان در سال ۱۳۳۱ خورشیدی بدنیا آمد. پدرش نوازنده سه تار بود و صدای خوبی داشت. شیرزادیان نزد هوشنگ ظریف و علی اکبر شهنازی به فراگیری تار پرداخت و نواختن تنبک را از استاد حسین تهرانی و محمد اسماعیلی آموخت. او در سال ۱۳۵۲ از هنرستان ملی فارغ التحصیل

شد و سپس به آمریکا آمد و در کدئینز کالج در رشته آهنگسازی به تحصیل پرداخت. او در حال حاضر در نیویورک اقامت دارد

شیرعلی، کمال الدین [Kamāl-eddin Šir Ali]: متخلص به بنائی که حالی هم تخلص می کرده در هرات بدنیا آمد و بعدها به تبریز رفت و در خدمت سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۳۳ - ۸۹۶ هجری) بود و تا پایان عمر در آنجا بسر برد. از این ادیب، دو رساله راجع به موسیقی بجا مانده است که یک رساله او بخط زیبای وی به تاریخ تحریر ۸۸۸ هجری (۱۴۸۳ میلادی) وجود دارد.

شیر محمدی، شهاب الدین [Šahāb-eddin Šir-Mohammadi]: خواننده سرشناس تربت جام

شیروانی، حسن [Hasan Širvāni]: معلم موسیقی در آموزشگاههای موسیقی تهران

شیروانی، کیومرث [Kyumars Širvāni]: نوازنده چیره دست ترومپت در ارکستر سمفونی تهران در سالهای پیش و بعد از ۱۳۳۶ خورشیدی.

شیری، علی داد [Ali Dād Širi]: نوازنده زبردست دوزله و سورنا، در سال ۱۳۳۲ خورشیدی در روستای پیرکاشان کرمانشاه بدنیا آمد. این هنرمند در کار حرفه کشاورزی، ۲۵ سال است که ساز می نوازد. او در حال حاضر در جیحون آباد زندگی می کند.

شیری، مجتبی [Mojtabā Širi]: از صدابرداران و صداگذاران با تجربه که در تهران فعالیت دارد.

شیرین آبادی، نصرت اله [Nosrat-ollāh Širin-ābādi]: نوازنده چیره دست قیچک و از همکاران داود گنجه‌ای نوازنده کمانچه، منصور سینکی، نوازنده تار و علیرضا افتخاری، آواز.

شیشاک [Šisāk]: یا شیشم یا شیشو، نام ریاب چهار سیم است.

شیشم [Šisom]: نوعی ساز بوده و همچنین از الحان دوره ساسانی است.

شیفته [Šifte]: خواننده جوان و خوش صدای ساکن کالیفرنیا که در ۱۷ سالگی آهنگ «ایران مینو سرشت» را خواند. شیفته دارای تحصیلات دانشگاهی در زمینه موزیک میباشد. او تحصیلات خود را در دانشگاه رزولت شیکاگو به پایان رسانیده است. شیفته دارای مدرک اقتصاد نیز میباشد. شیفته در فیلمی آمریکایی - ایتالیایی بنام **Voice of World** آهنگی در مسیر عرفانی اجرا کرده است. از دیگر ترانه های ماندگار شیفته میتوان به: سفر کردم از سروده های لیلاکسری و هم چنین به دو آلبوم: فاصله ها و بهاران اشاره داشت.

شیفراژ [Šifraž]: رقم گذاری آکورد به جهت تشخیص نوع آن.

شیلا [Šilā]: شیلا خواننده جوان و خوش صدائی است که در غربت درخشید و سالهاست که محبوب و مطرح است. اولین کار او ارائه آلبومی بود بنام: تلخ و شیرین که آهنگهای آنرا هنرمندی بنام مهداد ساخته است.

پس از انتشار این آلبوم، برای زمانی نسبتاً طولانی از این خواننده فعالیتی مشاهده نشد تا اینکه با شروع مجدد و آلبومهایی چون: افسونگر و چشمون من، خواننده روز لس آنجلس شد. موفقیت شیلا، مرهون همسر هنرمندش، مرتضی خاکسار آهنگساز و نوازنده زبردست فلوت میباشد.

شیوا [Šivā]: خواننده ساکن لس آنجلس که تنها یک آلبوم از او بنام: دزد دل به بازار عرضه شد و فعالیتی مجدد از او مشاهده نمی شود. این آلبوم با همکاری فرخ آهی و مرتضی برجسته تهیه و انتشار یافت.

شیوا، سازمان فرهنگی و هنری [Šāzemāne Farhangi va Honariye Šivā]: مرکز تولید و پخش نوار کاست و CD از هنرمندان ایرانی. این سازمان در لس آنجلس قرار دارد.

شیوائی، فریده [Faride Šivāwi]: ترانه سرای ساکن لس آنجلس کالیفرنیا.

شئر [Šeer]: آواز محلی بلوچستان که متن آن را، داستانهای حماسی و عشقی، وقایع تاریخی، رویدادهای اجتماعی و پند و اندرز تشکیل میدهد. به سراینده و خواننده اینگونه شعرها: شئر پربندوک گویند. شائر، کسی است که شئر را با ساز و آواز اجرا کند. شائر وقتی به درجه کمال برسد، به او پهلوان

میگویند. شئر، اصیل ترین و جدی ترین نوع موسیقی بلوچستان است. شئر؛ خاصه میهمانی های بزرگ و عروسی های مفصل است. شائر ها از جمله بازماندگان سنت خنیاگری ایران باستان هستند که نسلشان رو به انقراض است. شئر، بیانگر حماسه های بلوچی و غرور و تاریخ مردم بلوچستان است. سه شیوه اجرایی در آوازهای شئر وجود دارد: الحان، دپگال و ساز (سازینک **Sazenk**) لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به هرکدام از شیوه های اجرایی نگاه کنید.